

فترت هم جلو گیری خواهد شد و این ترتیب از هر حیث بعقیده بنده بهتر است .

رئیس — آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا — آقایان تمديد يون با طرفداران تمديد برای تويت بعقیده خودشان مطالبی اظهار فرمودند که بعقیده بنده بادیگر تمام آن مراتب و دلایل باز جلو گیری از ایام فترت نخواهد شد . مهمترین دلیلی که لایق قطع آقایان طرفداران تمديد اظهار میفرمایند فقط جلو گیری از ادوار فترت است . آری باید از فترت جلو گیری کرد ولی در هیچ جای دنیا با تغییر قانون انتخابات جلو گیری از دوره فترت نمی شود کردواگر ما بخواهیم حال این راه کج را برویم پس از آنکه دوسه دوره گذشت معلوم خواهد شد که بیراهه و کج رفته و ابد آن مقصود اصلی ما که جلو گیری از فترت است حاصل نخواهد شد . تنها چیزی که بعقیده بنده در تمام دنیا جلو گیری از ایام فترت می کند مسئله مالیه است آقایانی که می خواهند ایام فترت تکرار نشود و دوره منجوس و شوم فترت نشود بهتر این است چند ماده قانون بطوری که بنده هم چندین دفعه این مسئله را عرض کرده و پیشنهاد هم کرده ام برای مالیه بنویسند مادام که مجلس نیست دولت يك دینار مالیات نمی تواند بگیرد و نباید يك دینار خرج بکنند و در غیبت مجلس وزرائی که مالیات می گیرند بعد از افتتاح مجلس آن مالیات از آنها مسترد میشود و دریافت کنند مجازات خواهد شد و مادام که پارلمان نیست به هیچ وجه دولت نمی تواند از عایدات حتی از عایدات نفت جنوب چیزی دریافت کند و هکنذا نمی تواند دیناری خرج کند خوب است آقایانی که عاشق استقرار مجلس و عدم حدوث فترت هستند با بنده در این موضوع موافق شده و باین ترتیب عمل کنیم برای اینکه یگانه راه و طلاع منحصر بفرد از جلو گیری ادوار فترت همان است که عرض کردم زیرا آن قوه که مجلس را از بین میبرد خواه مشروع یا غیر مشروع مثلاً يك کودتای غیر مشروع یا بوسیله حکم انفصالی که از طرف شخص سلطان بموجب حتی که دارد واقع میشود به هیچ وجه رعایت و ملاحظه این مسئله را نخواهد نمود که مدت دوره مجلس دو سال است یا سه سال و یا چهار سال است و دوره های مجلس با یکدیگر متصل است ولی دولت وقتی دید در غیاب مجلس هیچ کاری نمیتواند بکند و اختیاری ندارد و اگر فرضاً خرجی بکند مسئول است آنوقت حتی الامکان در صدد خواهد آمد که هر طور باشد مجلس را دائر و برقرار کند و اگر غیر از این راهی که عرض کردم هر کار

دیگری بکنیم بهیچ جا نخواهیم رسید و مقصود اصلی حاصل نخواهد شد زیرا بفرض آقایان تمديد يون آمديم و دوره مجلس را تغییر داده از دو سال بچهار سال امتداد دادیم بعد يك ثلث یا يك ربع آن را دو سال بدو سال یا يك سال بیکسال عوض کردیم آنوقت فرضاً يك قوه نا مشروع آمد و به قوه قهریه و زور سر نیزه خودش مجلس را تعطیل کرد آیا در آن وقت هیچ از من سؤال میکنند که تو وکیل يك ثلث هستی یا در ثلث من هر چه داد بزنم که وکیل يك ثلث و يك ثلث بیش از عمر و کالت من نرفته است و باید باشم گوش نخواهند داد و یا آنوقت آقایان و کلائی که در اینجا نشسته اند آیا میتوانند بگویند ما بیرون نمیرویم برای اینکه وکیل يك ربع هستم در اصل چهل و هشتم مینویسند هر گاه مطلبی که از طرف وزیری برای تنقیح و تصحیح از مجلس سنا بمجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضاء دو مجلس و یا با سویه تشکیل یافته در ماده منازع فیها رسیدگی میکنند و نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنند

اگر موافقت دست داد فیهما و الا شرح مطلب را بعرض حضور ملوکانه می رسانند هر گاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود و اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جدا گانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلی حضرت همانونی در همان فرمان حکم تجدید انتخاب میفرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند و در اصل پنجاهم ذ کرمی کنند در هر دوره انتخابی که عبارت از دو سال است بکثرت امر بتجدید منتخبین منتشر نخواهد شد خوب آقایان طرفدار آن تمديد که بعقیده تان اینست که اگر تمديد مدت بشود دوره فترت بیش نمی آید اگر مطابق این اصل چهل و هشتم مجلس را منفصل کردند چه میکنند .

(بعضی گفتند که مجلس سنا نداریم)

سلیمان میرزا — حال فرض میکنم

که مجلس سنا داریم اگر مجلس سنا مجلس را منفصل کرد چه میکنند حال بعقیده بعضی از آقایان مجلس سنا نداریم آیا کودتاهم نخواهیم داشت امیدوارم کودتا هم نداشته باشیم ولی بعقیده بنده از راه مالیه ممکن است این مسئله را جلو گیری

کرد برای اینکه کسی که کودتا میکند و مجلس را منفصل میکند وقتی که پول نداشت معمر میشود سر تسلیم بوکلا فرود می آورد و این گذشته مجلس شورای ملی که امروز دوره چهارم است است بچندین قسم مختلف منحل شده است یکمرتبه توپ بستند دفعه دیگر التماون و ترتیبانی که ناصر الملک فراهم کرد يك دفعه هم که مهاجرت پیش آمد .

پس ممکن است وقایع دیگری نیز مثل وقایع گذشته پیش بیاید آنوقت هیچ کدام از آن وقایع را يك ثلث و دو ثلث نمیتواند جلو گیری نماید و یگانه چیزی که جلو گیری از ایام فترت میتواند بکند همان مالیه است اما در موضوع اینکه میفرمایند ما حق تغییر قانونی اساسی را داریم و میتوانیم تمديد بدهیم چنانکه آقای نظام الدوله هم فرمودند در موقع تنفس بایشان هم عرض کردم وقتی خواستند این چهار اصل قانون اساسی را تغییر بدهند یا نسخ کنند رجوع کردند بافکار عامه . پس اگر این اصل را آقایان قبول دارند که بافکار عامه رجوع شده یا فراموش شده پس اگر آن وقت تمام اصول قانون اساسی را رجوع کرده بودند بافکار عامه دیگر حال بایستی هیچ قانون اساسی نداشته باشیم بعلاوه آنوقت بنده در تهران بودم و اگر آقایان هم در طهران تشریف داشتند اینکه بانجمن آذربایجان حق داده شد که چهار اصل قانون اساسی را اصلاح بکنند و تغییر بدهند برای این بود که مشکلاتی پیش آمده بود که بافکار عامه رجوع کردند مستشار الدوله هم در آن هیئت بودند اشخاص دیگری هم بودند که الان حاضرند و تلگرافاتی هم که شده در تلگرافخانه موجود است سبب این فراموشی این بود که میخواستند انتخابات صنفی را ملغی کنند و انتخابات دو درجه بکنند بنابراین آن تصمیماتی آن کمیسیون برای انتخابات کرده بود و جمع و کلائی که در نظر گرفته بودند کمتر از حد از حد اقل عده بود که اصل چهارم معین نموده بود چون اصل چهارم عده انتخاب شوندگان را (۱۶۲) نفر معین نموده بود و این تصمیماتی که کرده بود عده ۱۲۰ نفر بود و چون این برخلاف قانون اساسی بود و خواستند اصلاح کنند اصل چهارم را بافکار عامه رجوع کردند اصل پنجم را از نقطه نظر بافکار عامه رجوع کردند؟ آنهم برای این بود که این اصل عبارت از دو جزء بود يك جزء آن ابتدای مدت و کالت را از روزی معین کرده است که تمام و کلائی ولایات در مرکز حاضر باشند و از دوره اول سیزده گذشته بود و وکلا

مطابق این اصل میگفتند هنوز يك روز از عمر مجلس نگذشته و اگر باین اصل میخواستند عمل کنند مجلس اول مدتها ها طول میکشد در صورتیکه جزء اول این اصل این بود که منتخبین برای مدت دو سال تمام انتخاب میشوند آنوقت فرصت بفرمائید يك نفر را برای مدت دو سال انتخاب میکردند در صورتیکه بعد از يك سال هنوز وکیل نقط دیگر نیامده بود و در این صورت احتمال داشت که مجلس سالها طول بکشد چون میخواستند این اشکال را برطرف کنند و راه حلی نداشتند این بود که رجوع کردند بافکار عامه و اینکه اصل ششم را رجوع بافکار عامه میکردند برای این بود که اصل ششم هم يك چیز غریبی بود . اگر چه اشخاصی که در دوره اول این اصل را نوشته بودند اشتباه نکرده بودند با مقتضیات آن وقت و مثل مظفر الدین شاه که معلوم نبود چقدر عمر می کند عجله داشت مجلس داشته باشد و برای تسریع این امر این طرز ترتیبات را منظور داشته بودند که بمقتدر که و کلائی طهران انتخاب شدند مجلس رسمی بشود بعد که آنوقت گذشته بود و میخواستند این اصل را تغییر بدهند و این بود که رجوع مردم کردند

چون در اصل ششم نوشته است منتخبین طهران لدى الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره می شوند و آنوقت وکلا در طهران شصت نفر بودند و بآن نظر که شاه مرخص بود و ممکن بود دوزد تلف شود چنانچه همانطور هم شد میخواستند مجلس را منعقد کنند این بود که گفتند این شصت نفر به نشینند و مشغول مذاکره باشند .

باین مناسبت بود که گفتند و کلائی طهران مجلس را افتتاح کنند و الا با دوازده نفر که مجلس افتتاح نمی شود بنابراین میخواستند این ماده را هم تغییر بدهند و الا آنطوریکه آقای فہم الملک فرمودند نبوده که در بنده شصت باشند و حتماً عده شصت مقدس است و اشخاصی که اصلاح این چند اصل را میخواستند از برای عده شصت نبوده .

بعدهم که عده صد و بیست نفر شد اتفاقاً نصف بعلاوه یکش شصت و یک نفر میشد اصل چهل و نهم هم می نویسد منتخبین جدید طهران باید بفاصله يك ماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دار الخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهد شد نظر باینکه این ماده هم مربوط بآن ماده بود و دیدند اشکال پیدا می شود این بود که این اصل را هم تغییر دادند اما چون منظور نظرشان دو سال نبود دیگر اصل پنجاهم را

که مدت دو سال در او قید شده به افکار عامه رجوع نکردند و بطوریکه در اصل پنجم مسئله دو سال قید شده اصل پنجاهم هم می نویسد در هر دوره انتخابی که عبارت از دو سال است بیشتر از یک نوبت امر بتجدید منتخبین نخواهد شد پس اگر در مراجع به مردم نظرشان بدست هم بوده این اصل پنجاهم را مراجع به مردم می کردند لابد اینقدر سواد داشتند و اصل پنجاهم را هم دیده بودند و اگر می خواستند تغییر می دادند در این مورد اشکالات بنده چند فقره است یکی این است که وقتی يك ماده قانون اساسی را تغییر می دهند آن ماده دیگری که می نویسد جزو قانون اساسی می شود ولی مخالفین می گویند قانون مادی است پس آقایان طرفدار این عقیده هستند و بنده طرفدار عکس این عقیده هستم زیرا با این ترتیب اگر چند دفعه دیگر قانون اساسی را فرغند بکنیم دیگر قانون اساسی نخواهیم داشت و بعقیده بنده اصل پنجم فعلا این است که منتخبین برای دو سال تمام انتخاب می شوند و ابتداء این مدت از روزی است که نصف بعلاوه يك از نمایندگان در طهران حاضر باشند و دیگر هم قابل تغییر نیست ولی البته بعقیده آقایان که تمديد می خواهند قابل تغییر است ممکن است مدت ده سال یا بیست سال شود و انشاء الله خیلی هم خوب است چون هر چه زیاد تر شود بهتر است ولی بنده علی الاصول اینطور تصور می کنم که جزء اول این ماده تغییر نکرده و جزء دوم را هم که اصلاح کرده اند عوض آن را در قانون انتخابات است نوشته اند آن جزء قانون اساسی است و نمی شود گفت چون در قانون انتخابات است قانون مادی است چرا؟ بدلیل اینکه مجلس دوم این قانون را نوشت دیگر مجلس اول با وجود اینکه این چند اصل قانون اساسی تغییر نکرده بود نظامنامه انتخابات نداشت؟ نظامنامه انتخابات يك قسمتش بعقیده بنده باید مطابق مرام و عقاید مردم باشد و هنوز اینطور نشده برای اینکه حزبی نداریم که با نظریات حزبی رفتار کنیم و کلاصاف و سادگی و بندگی و مکررات هم سوسیالیسم و بدبختانه هنوز نقاب از صورتها برداشته نشده که و کلا هر عقیده دارند بگویند بعقیده بنده هر وقت این ترتیب مرتفع شود اولین روز سماعت مملکت است و دیگر آقای رئیس در هر موضوعی مجبور نخواهد شد از بنده بیرسند موافقید یا مخالف برای اینکه هم آقای رئیس و هم آقای رئیس-الوزراء می دانند که هر وقت مذاکره انتخابات دو درجه در مجلس بشود سلیمان میرزا مخالف است و همه دیگر که طرفدار انتخابات دو درجه هستند موافقند.

پس وقتی که مرامنامه باشد کار همه آسان می شود و دیگر هیچ چیز موضوع بحث نیست هر چه موافق مرامنامه من است موافقم و هر چه مخالف مرامنامه است مخالفم

و اسباب تسریع کارها هم میشود

حالا تا برسیم بآن روزها مقصود این است که اگر بخواهیم هر روز قانون اساسی را يك ترتیبی تغییر بدهیم و يك حق بزرگی را که حق انتخاب کردن است و از همه ترین حقوق است که در دوره آزادی بیکنفر می دهند سلب کنیم فوراً این حق دست خوش بیکنفرزادی و کلا می شود و تا بیکنفرزادی این عقیده زیادتر بین و کلا پیدا شد قانون اساسی را موافق میل خود تغییر می دهد حال از این مطلب بگذریم اینکه آقای ملک الشعراء فرمودند مجلس سوم حق تجدید نظر را در قانون اساسی داشت آنهم يك صحبتی بود که والا حضرت ناصر الملك فرمودند و در این موضوع مدتها کشمکش داشتند و ایشان اظهار می داشتند و کلاي دوره سوم و کلائی هستند که حق تغییر قانون اساسی را دارند در صورتی که ما همچو حق را نداشتیم

فقط در موقع مراجع به مردم این چهار ماده را تغییر دادند و گفته اند تغییر این چهار ماده بسته بنظر و کلا است و الا ما حق اینکه سایر مواد قانون اساسی را تغییر بدهیم ندادیم و بعقیده بنده هنوز راه تغییر قانون اساسی برای ما پیدا نشده چنانچه عرض کردم اصل پنجاهم که مدت هر دوره را دو سال معین کرده هنوز بجای خودش باقی است

پس آقایانی که طرفدار تمديد هستند و می دانند در قانون اساسی اصولی هم هست که ممکن است مجلس را از بین ببرد باید راهی برای تفسیر قانون اساسی پیدا کنند.

این مطلب را هم عرض کنم اشخاصی هستند آرزو و آرمانشان این است که بتوانند قانون اساسی را تغییر بدهند و بنده هم یکی از آن اشخاص هستم و هر روزی که موفق شویم قانون اساسی را تغییر دهیم اول کسیکه فلم روی مجلس سنا خواهد کشید بنده خواهم بود

ولی مادامی که آن حق را نداریم البته باید تمام ماها قانون اساسی را مقدس بشماریم خوب است طرفداران تمديد بگویند در مقابل این اصل در انفسال مجلس بطور جلو گیری خواهد کرد.

پس بهتر این است تمديد یون برهان قاطع برای من پیدا کنند که عبارت از تلگرافاتی باشد که در آن وقت ما بین انجمن ایالتی آذربایجان و طهران مخابره شد که يكطرف تقی زاده و چند نفر و يك طرف مستشار الدوله و چند نفر دیگر بوده اند و الا همانطور که در تنفس به آقای نظام الدوله عرض کردم و ایشان هم پیشنهاد کرده اند خوب است این تلگرافات را بخواهند يكقسمت از تلگرافات هم نزد

آقای قوام الدوله است همه را بخواهند و ملاحظه کنند و بعد اظهار عقیده نمایند چون این اسناد سبب تغییر دادن قانون اساسی بود و بعلاوه برای مجلس هم لازم است و بکار مجلس می خورد وقتی که مراجعه فرمودند و معلوم شد سبب اینکه این چهار اصل مراجعه به مردم شده چه بوده.

آنوقت تصدیق خواهند فرمود که راجع به تغییر دو سال ذکر نشده برای اینکه مسئله دو سال چیزی نبود که به مردم مراجعه کرده باشند و اگر اتفاقاً بنده فراموش و اشتباه کرده ام و دو سال در آن تلگرافات ذکر شده باشد حق با آقایان است و اگر ذکر نشده باشد

آقایانی که طرفدار تمديد هستند لطفاً عنایت فرمودند قانع شوند و طرفدار تمديد نباشند و گمان می کنم این پیشنهاد آقای نظام الدوله هیچ ضرری نداشته باشد.

زیرا هر چه مجلس از روی اطلاع و دانائی ملأ کرده کند و رأی بدهد بهتر است که هر کس مثل من وقت مجلس را بگیرد و بنظر به شخصی صحبت کند فقط این جا مختصر چیزی هست که با کمال ادب خدمت آقای ملک الشعراء با اراداتی که بایشان دارم عرض می کنم تا از بنده رفع اشتباه بکنند چون بنده شنیدم در جواب فرمایش آقای طباطبائی فرمودند که اگر من افکار عامه را بگویم مقصود از افکار عامه افکار و کلا است.

اگر این طور فرمودند این لغتی است که معنی آنرا بنده هیچ نفهمیدم و در تمام دنیا هم اگر بخواهند يك لغت را بزبان دیگری ترجمه کنند به چوقت افکار عامه را ترجمه با افکار و کلا نمی شود نمود حال راجع باینکه يك وکیل آياحق دارد بگوید من بنام افکار عامه صحبت میکنم یا حق ندارد و این را من کاری ندارم فقط مطلبی را که فرمودند بنظر غریب آمد برای اینکه فرمایش آقای ملک الشعراء با مقام ادبیتی که دارند البته سندیت دارد يك شبی هم این جا آقایان ایراد کردند فلانکس که بر علیه اشراف حرف می زند چون اشراف جمع شریف است و شریف سادات هستند لذا فلانی بر علیه سادات حرف می زند ولی يك اشتباهی است اما چون آقای ملک الشعراء جزو ابا هستند خیلی ممنون می شوم اگر توضیح فرمایند که چه طور افکار عامه را با افکار و کلا ترجمه کردند.

ملک الشعراء - اجازه میفرمائید رئیس-رئیس بنوبه خودتان بفرمائید ملک الشعراء - چون می خواستم جواب جواب حضرت والا را بدهم

رئیس - مگر برخلاف واقع چیزی گفتند که می خواهید توضیح بدهید ملک الشعراء - بلی برای اقتناع ایشان می خواهم توضیح بدهم رئیس - بفرمائید

ملک الشعراء - دو مسئله واقع شد که بنده مجبور شدم این اظهار را کردم آقای طباطبائی فرمودند افکار عمومی با این قضیه مخالف است در صورتی که هنوز این مسئله افکار عمومی و کلا خارج مطرح مذاکره نشده اگر يك روز نامه یا دوروز نامه هم برله یا بر علیه چیزی نوشته باشد معلوم نیست و معلوم نمی شود افکار عمومی موافق یا مخالف است این بود که بنده خواستم بایشان عرض کنم در قضایائی که مطرح می شود

اولا يك نفر نماینده نباید در مجلس از طرف افکار عمومی و کالت و قضاوت کند باین مناسبت بود که عرض کردم چنانچه کمسیون این مطلب را بمجلس عرض کرد مقصود کمسیون این بود که نباید بمجلس و بعد هم مجلس صبر کند و به بنده در خارج مردم چه عقیده دارند و مجلس به آن عقیده رأی بدهد بلکه مقصود من از افکار عمومی این بود که بمجلس عرضه شود و مجلس در آن صحبت کند اگر موافقت حاصل شد با افکار عمومی موافق است عرض بنده این بود نه آن طور که حضرت والا فرمودند رئیس - چون خیلی از شب گذشته است اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه دیگر آقای معتمد ولی میرزا اظهار داشتند؟

محمد ولی میرزا - در این موقع که بنمایند کسی آذربایجان افتخار مشارکت در امور اجتماعی را حاصل کرده ام چون افکار نمایندگان محترم را بیشتر متوجه قضایای آن صفحه می بینم و طبقه خود می دانم مختصری از حالات روحیه و وضعیت جاریه تا حدی که تقریر یافت به بنده اجازه بدهد خاطر آقایان محترم را مستحضر بدارم تشنجات سیاسی و حالت تزلزلی که این چند ساله اهالی آذربایجان را فرا گرفته نه فقط و منحصر آله نتیجه موفقیت اقتصادی است که از خرابی همسایگان و جنگ بین المللی تولید شده بلکه قسمت عمده آن ناشی از يك سلسله عملیات جاهلانه و خطبهائی است که در این مدت از مامورین شده بنده از این اظهارات غرض و مقصودی جز مطلع ساختن آقایان از بدبختی و بی نوائی يك ایالت بزرگ ندارم بنده عرض می کنم مامورین اعزامی مرکز همه بد بوده اند تا تعدد در خرابی داشته اند ولی نتیجه حاصله از اقداماتشان برخلاف اینکار سوه اثر بخشیده بعقیده بنده در صورتیکه اهالی يك ایالتی مقدرات حیاتی خود را تسلیم مامورین منتخبه مرکز می دارند و هیچگونه

مشارکتی در مشی سعادت اجتماعی خود حتی از داشتن انجمنهای ایالتی و بلدی محرومند اگر وسیله آسایش آنها فراهم نشود و بر عکس ایجاد انقلاب و مرج و مرج شود مسئولیت و ایرادی بر اهالی وارد نبوده بلکه مسئول حقیقی همان اشخاصی میشوند که تقبل اداره کردن آن جماعت را نموده اند. خاصه مأمورینی که طرف اعتماد کامل دولت بوده و همه نوع مساعدت علمی بافکار و عقاید آنها شده و در مقابل اقتدارات و اختیارات کاملاً که داشته معلوم نیست چه کرده اند و چه نتیجه برای اهالی مملکت حاصل شده است از مقصود اصلی خود نمی خواهم خارج شوم ولی ضرر ندارد آقایان بدانند سیاست مأمورین مرکزی از دو صورت در این مدت خارج نبوده یک دسته از کثرت بی مبالائی زمام اختیار را تماماً تفویض یک جماعت معدودی از اهل محل نموده و سبب سلب آسایش و امنیت و مختاریت از جماعت دیگر شده اند دسته دیگر خود را عقل کل پنداشته در کلیه امورات کشوری و لشگری مداخله نموده حقوق قانونی افراد را تحت فشار اراده مطلقه خود لغو نابود ساخته اند مطابق مشاهدات محلی بنده در این سنوالات اخیر تغییر این دو طرز اصول دیگری در حکمرانی برای آذربایجان معمول نبوده است فهم این گونه تدابیر اداری بر جمع کثیر اهالی آذربایجان و بنده غیر مقدور بوده و ناچار اعتراف بقصور ادراک خود کرده ایم زیرا نمی توانستم تصور کنم که وزراء محترم بدون دلیل و علت توسعه بی حد با اقتدار مأمورین داده و تسلیم صرف به تصمیمات آنها بشوند چون غرض خصوصی و طرفیت با کسی ندارم از ذکر باره اسامی برای تأیید این عرایض خودم صرف نظر می کنم و فقط عرض می کنم این رویه برای آذربایجان مفید واقع نشده و در هیچیک از رشته های اجتماعی و حیاتی این ایالت حسن اثر نبخشیده است اختیارات و اقتدارات کاملاً در مواقع فوق العاده باشخص لایق و مبرز برای اخذ یک مقصود و نتیجه داده می شود در صورتی که نتیجه این اختیارات در آذربایجان این شده است که چندین ولایت بولایات مغروبه علاوه و صد ها افراد نظامی و صاحب منصبان جوان شجاع جان خود را که ذخیره ذیقیمتی برای روزهای شديدي بود فدای این هوسرانیها داشته تمدی وارد بر اهالی از هر حد تصور تجاوز کرده هر رئیس اداره هر رئیس بلدی ایجاد و وضع مالیات نموده فایدهات آن را بمصرف نخواهد رسانید فقر اقتصادی آذربایجان نیز نه فقط فقدان تجارت و صادرات است بلکه فلاکت اسف انگیز دهاقین بیش از همه در آن مؤثر است این شدت فلاکت و محوشدن زراعت در این ایالت پر ثروت ملت خارجی ندارد و منحصر بایستی از جبر و تعدیات و همال و مأمورین داخلی است در بعضی از ولایات جزو آذربایجان

باندازه مالیات دیوانی تحمیلات و عوارض و عناوین مختلفه از اهالی اخذ شده و میشود نتیجه باز عملیات ولی مبالائیها است که کلیه رشته های حیاتی را فلج نموده است تاجر معامله و داد و ستد را قطع نموده بازار کساد طریق تجارت مقطوع از شدت جبر بیشتر دار دیگر هیچ بار برداری ولو دو برابر کرایه از طهران بقصر شیرین را بدینند حاضر بر رفتن سمت تبریز نمی شود ملاک در مقابل حکومت کیمیا نشائی ملک را مغروبه بلکه در مقابل مالیات حاضر بتسلیم آن می شوند فقط اشخاصی بهر همت هستند که بشارت و غارت و چپاول پرداخته از خرابی دیگران متنعم شده اند آقایان محترم قطع داشته باشند که برای مطلع ترین شماها هزار یک بد بختهای آذربایجانی نوشته است آذربایجان امروز عبارت از دهات مغروبه و رعایای متوازی است که برای گذران یومیه دست عیال و اطفال خود را گرفته به گیلانات و ایالات دیگر به فعلگی و مزدوری میروند در شامرا ها و جاده ها هزاران مهاجرین از یومیه خوئی سلدوزی و غیره دیده میشود که با رقت انگیز ترین حالات فاقد کلیه مایحتاج حیاتی هم چون بروج خود را در پی قرص فلانی فرستگها می کشانند ذکر این مسائل شاید بفرسودن می آید ولی باید دانست که این اجساد بی رمق که با ریشه درخت و علف صحرایی امرار حیات می کنند تمام اهل این مملکت توده حقیقی ملت و برادران ما هستند آنها هم حق حیات دارند و از ما سؤال می کنند برای آنها چه کرده ایم اعانه دادیم تفریط کردند مسئول این خیانت تعقیب نشد شانزده هزار تومان از همین وجه اعانه در مالیه تبریز موجود بود آن راهم بحوالجات نا معلوم پرداخته اند و امروز بدبخت مهاجرین که از هر طبقه هستند برای ماهی پنج تومان و ده تومان شهریه روزی شش دقت ساعت درب مالیه ایستاده جواب بول نیست می شنوند بنده خود را حقیقتاً عاجز از تقریر فلاکت های یومیه که در جلزی چشم بوده میدانم و استنباط و همت آن را بوجدان وظیفه شناسی خود آقایان و امی گذارم مالیات دولت عواید گمرکات و راهها قریب بصفر است از پانصد هزار تومان و پنجاه هزار خروار مالیات جزء جمعی مستقیم امروز باندازه وصول نمیشود که نان شهر تبریز بخوبی اداره شود از مرکز هفتاد هزار تومان اعتبار بایالت وقت برای این کار میدهند راست است یک قسمت عهده از مالیات های متمدنین باقی مانده ولی این قسمت صدو بیست شاید بشود بلکه صد و سی بیشتر راجع بخرابی و ویرانی دهات است تصور بکنید اوراق باشد اگر

عرض کنم صدی سی دهات آذربایجان مغروبه مسلوب المنفعه و تقریباً خالی از مسکنه هستند بسا این حال باز مأمورین دولتی با عزمی ثابت مالیات را مطالبه میکنند ولی این مالیات گویا آخرین مالیات آنها باشد زیرا دهاقین و رعایا برای خلاص از دست تعدیات مأمورین که هر یک باندازه اصل و فرح مالیات فوق العاده مهلا شامه و غیره مطالبه می کنند زراعت خود را فروخته مهاجرت می کنند وقتی که زندگانی دخالت رعیت و دهقان این باشد معلوم است حال مملکت چه می شود با کمال جرأت عرض می کنم عنقریب مالیات مستقیم آذربایجان بکلی از میان خواهد رفت زیرا مأمورین دولتی در عوض تشویق و کمک بزراعتین هم خود را صرف خرابی رعایا و معدوم ساختن و سائل کار آنها نموده اند قطع بفرمائید که امروز در تمام مملکت ایران طبعه ذلیل تراز ذارع آذربایجانی موجود نیست پس از اینکه مأمورین ایالت مالیه محل نظام و غیره هر یک بنوبه خود عملیات مشعشع نمودند بلا فاصله نوبت باشار میرسد که گله گاو و مواشی و بالاخره پلاس و معتصر لوازم زندگانی آنها را بفارت میبرند یا ارسال متجاوز از پنجهزار نفر تعدی و ظلم فقط از خاک گرم رود متوازی و مهاجرت کردند اگر راه روسیه باز می بود و در آن طرف سرحد کار پیدای شد نصف بیشتر اهالی آذربایجان مهاجرت اختیار می کردند شنیده ام که یک سیاست بزرگی همیشه هواخواه این بوده است که ممالک شاهنشاهی باید حکم صحراهای عظیم آفریقا را پیدا کنند در آذربایجان این نقشه خیلی پیشرفت کرده و اگر طرز اندوه کردن ایالات دیگر به همین ترتیب باشد موفقیت در این نقشه اشکالی نخواهد داشت اهالی آذربایجان فواین مشروطیت و مرکزیت مملکت را مقدس و محترم می شمارند ولی در این سنوالات اخیر از طرف مأمورین دولتی ضربت های مهلکی باین حس و عقیده وارد آورده اند قلوب اکثریت اهالی را متزجر و آزرده نموده اند این یاس و نا امیددی معلوم است تا چه حد مضر است پس باید توجه در اصلاح کرد باید با اهالی فدا کار مظلوم که در هیچ مورد از مشارکت در وظایف اجتماعی خود داری نکرده اند حق دارد باید بآنها گفت مأمورین بد کرده و قصور نمودند تا اهالی امیدوار بوده بدانند که هیئت مقننه طرفدار این حرکات نبوده بسکوت هم قائل نشده در اصلاح اعمال گذشته و جبران آنها سعی و اهتمام عملی خواهد نمود شما از مطالب و ابیالات اهالی آذربایجان را که ذکر کردم فقط بامید جلب توجهات نمایندگان محترم در اصلاح بود و در جریان اقداماتی هم شده که باعث تشکر اهالی است مخصوصاً تجمع قوای

مکفی و قادری که در آذربایجان شده باعث امیدواریهاست و همه انتظار دارند که در اثر فداکاریهای قشون شجاع از دست اشرار و تعدیات آنها عنقریب خلاصی حاصل کنند امیدوارم عزم راسخ هیئت دولت و همت شخص آقای وزیر جنگ این انتظار عمومی را بموقع و صدق نماید بدون اینکه بغواهم توضیحاتی در قضایای جاریه حدودی که میدان عملیات نظامی است بدهم لازم و ضروری میدانم اختصاراً این نکته را گوشزد نمایم که نباید کلیه اکراد را با قسمت متمدنین مخلوط و شریک داشت اگر اکراد مکرری از دیروزمان خدمتگذار دولت بوده و معیبهائی که دیده اند در نظر داشته فراموش نمی کنند و بعضی از آنها قریب خورده و ازدوی جهل خود را بادشمن همراه کرده اند.

بر عکس جمعی دیگر منجمه طایفه پیکزادگان مکرری و خانواده محترم قضاات شهری این دوطایفه در قضایای اخیر در راه خدمتگذاری و دولت خواهی دچار صدمات جانی و خسارات مالی شده و خدماتی کرده اند که خود بنده شاهد بوده ام استحقاق همه گونه توجه و تلافیف اولیاء دولت را هم دارند پس از جلب توجه آقایان بفلاکت اهالی آن سامان امیدوارم که برای جبران این اوضاع مجلس شورای ملی با موافقت دولت قدمهای سریع جدی برداشته و یامی که امروزه مستولی بر آن ناحیه است میل بامیدواری بشود در خانه فقط برای تذکر آقایان و اولیاء امور را مسبوق میکنم که امروزه واجب ترین و مهمترین اقدام برای آسودگی و رفع اضطراب و تشویش اهالی دفع شر اسمعیل آقای شقی است که اعمال و رفتارش محتاج بتوضیحات بنده نیست و همه آقایان می دانند چه آتش سوزانی در آن صفحات یریا داشته است

وحیدالملک — خوب است چاپ شود که همه بدانیم و جزو دستور شود رئیس — و کلای آذربایجان که بالفعل سه نفرند خوب است بین خودشان تبادل نظر کنند اگر چیزی بنظرشان رسید بمجلس پیشنهاد کنند جلسه آینده شب چهارشنبه سیزدهم نور دوساعت ونیم از شب گذشته

شیخ الاسلام — خوب است جلسه را شب سه شنبه و شب جمعه قرار بدهند رئیس — همان روزهایی که جلسه بود حال هم خواهد بود منتهی حالا شب تشکیل میشود دستوراً و لا بقیه مذاکرات راجع بقانون انیخابات ثالثاً مسئله قالی جوهری.

مجلس شش ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۵۵

صورت مشروح مجلس لایحه چهارشنبه سیزدهم برج ثور ۱۳۰۱ مطابق شهر رمضان ۱۳۴۰

مجلس ۳ ساعت از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس لایحه یکشنبه دهم نور آقای امیرناصر قرائت نمودند)

رئیس - کویا نسبت بصورت جلسه مخالفی نباشد؟

(مخالفی نشد)

رئیس - صورت جلسه تصویب شد.

آقای کازرانی فرمایشی داشتید؟
آقای میرزا علی کازرانی - بلی بنده راجع بصورت مجلس عرضی داشتم.

رئیس - پس چه را اول اظهار فرمودید؟

آقای میرزا علی - حالا اجازه خواستم رئیس - بفرمائید.

آقای میرزا علی - مخالفت بنده در تمديد بجهت مخالفتش با قانون اساسی بود و در صورت مجلس ذکر در این باب نشده است.

رئیس - اصلاح میشود.

آقای مستشار السلطنه از وزارت فوائد عامه راجع بصید ماهی حلال و حرام سئوالی داشتند؟

مستشار السلطنه - بلی سئوال بنده بعمل آمده است رای جواب هنوز داده نشده است حالا میفرمائید تجدید سئوال شود؟

رئیس - خیر سئوال شده است منتظر جواب باشید.

معاون وزارت فوائد عامه - بر حسب ابلاغ وزارت فوائد عامه بوزارت مالیه اطلاع داده شد که باعضای مالیه و رؤسای گمرکات سواحل بحر خزر دستور داده شود که کلیه رودخانههای گیلان و مازندران را باستثنای آنچه که باجاره داده شده بمزایده قانونی گذشته شود و عوائد آن راجع آوری کند و همچنین مقرر شد که در انزال ماهی صوف و سازان سوم و در حسن کیاده ماهی های سونه و سندوکا (این پنج قلم ماهی های حلال و حرام است) را بطور اختصاصی باقیمت مرضی الطرفین بروس ها واگذار نمایند و روس ها هم مبالغ پنججاه هزار تومان در عوض بدولت ایران بدهند و همچنین قرار شد در مازندران و گیلان و آستارا از قرار یکمین صد دینار که معمول بود یکمین چهار صد دینار ماخوذ شود آقای سید فاضل - یکتذیری بلندتر بفرمائید که همه بشنوند

معاون وزارت فوائد عامه - در آستارا و مازندران و گیلان صید ماهی آزاد باشد و مقرر شد علاوه بر هر یک منی یکصد دینار گمرک ماخوذ دارند و هم چنین در آستارا از هر یک منی علاوه بر

گمرکات یکصد دینار ماخوذ ندارند و در هر یک از سواحل بحر خزر از خاویار سفید غیر از آنچه که باید گمرک گرفته شود یک من پنج قران است چیزی داده نشود ولی از خاویار سیاه علاوه بر مقدار گمرکی که هر یکمن پنج قران است ماخوذ می گردد و برای اداره کردن این کار اداره گمرکات دستور داده اند که با اطلاع امضاء مالیه هر محل صدی پنج از عایدات را تخصیص بدهند که خرج این کار شود و استاد خرج هم با امضاء امین مالیه و رئیس گمرکات بر کز فرستاده شود و همین طور یک صورت هائی از حمل ماهی و از مقدار عایداتی که مرتباً میرسد به وزارت فوائد عامه بفرستند باین ترتیب صید ماهی حلال و حرام مقرر شده است.

مستشار السلطنه - اگر این طور باشد تقاضا می کنم وزارت فوائد عامه صورت مشروعی بطور یک لایحه برای اطلاع کمیسیون فوائد عامه بفرستند که اگر کمیسیون نظریه اتخاذ کرد بعرض مجلس مجلس شورای ملی برساند.

رئیس - این ارجاع به کمیسیون نیست این تقاضای دوستانه است که می کنند ارجاع به کمیسیون وقتی است که مجلس بخواهد و رجوع به کمیسیون نماید.

(گفته شد صحیح است)
آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک - همه می دانیم یگانه راهی که بشر را به ترقی و تکامل سوق می دهد معارف است و بدبختانه معارف ما روبه انحطاط میرود.

در این مملکت که مدرسه فنی و فلاحی و تجارتنی نیست و همچنین همه می دانیم راهی که مملکت را به ترقی سیر می دهد امور فلاحی است و فقط یک مدرسه در کرج تاسیس شده بود و از قرار یک بنده شنیده ام این مدرسه فلاحی کرج هم منحل شده و حال شاگردان این مدرسه خیلی سخت شده این است که سئوال می کنم از آقای معاون وزارت فوائد عامه که جهت چه بوده که این مدرسه منحل شده و علت آن چیست؟

معاون وزارت فوائد عامه - خیلی خورسند شدم که به نماینده محترم عرض میکنم مدرسه منحل نشده و به حال خود باقی است و در ایام نوروز که مدرسه تعطیل شد این تعطیل مدرسه با انتقال خالصات دولتی به وزارت جنگ تصادف کرد و در این موقع وزارت جنگ تصمیم شد که مدرسه کرج را تخصیص بدهد.

برای یک قسمت از دستجات نظامی و تصمیم گرفت مدرسه را بجائی دیگر انتقال دهد به این مناسبت قدری تعطیل مدرسه کرج ادامه یافت ولی مکرر شاگردان مدرسه به وزارت فوائد عامه آمده و تقاضای

تکلیف نمودند.

این بود که وزارت فوائد عامه هم شرح مبسوطی به وزارت جنگ نوشت و اطلاع داد که شاگردان مدرسه کرج نصف تحصیلات سالیانه خود را کرده اند و بیشتر از یک سال برای اتمام تحصیلاتشان باقی نمانده و همانطور که در نظر هست باید دوره تحصیلاتشان به اتمام برسد که برای سرمبارشی خالصات و سایر امور فلاحی مامور شوند.

هرچه زودتر مطلبی برای مدرسه تعیین شود که فوراً مدرسه باز شود و شاگردان بدون وقت داخل مدرسه بشوند و مشغول ادامه تحصیلات خود باشند و از قرار یک اطلاع حاصل کرده ام در یک هفته قبل مدرسه کرج را به چهار دانگه انتقال داده اند و الآن یک هفته است که مدرسه دائر و شاگردان مشغول تحصیلات خود هستند.

رئیس قانون انتخابات مطرح است.
آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون بنده عضو کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات هستم و اطلاعات لازمه هم درست داده نشده و نظری که برای تمديد و تقصیر هست یعنی مدت کوتاه باشد بهتر است یا طولانی باشد.

درست تشریح نشده این است که عرض می کنم این مسئله اختصاصی به اینجا ندارد در جاهای دیگر هم عقاید مختلف است که آیا مدت مجلس کم باشد بهتر است یا زیاد باشد و هر طرف هم دلیلی دارند.

آقایان باید ملتفت باشند و هر حکام را پسندیدند البته رای به آن خواهند داد.

کسانی که می گویند کوتاه باشد دلائلی دارند از قبیل اینکه ممکن است در یک دوره جماعتی از و کلاء که یک سیاستی اقتضا کرده و انتخاب شده اند بعد از مدتی فضا آن سیاست تغییر پیدا کند در این صورت بقاء آن نمایندگان بمناسبت آن سیاست صلاح نباشد یا مثلاً فرقه اکثریت داشته باشند و بعد یک فرقه دیگر دارای اکثریت شده اند در این صورت نمایندگان سابق قعلاً یشتی بان اکثریت ملت نیست و نباید زیست کنند یا مثلاً فرض کنیم یک جماعتی فقط برای یک سیاست مخصوص یا اجرای یک معاهده انتخاب شده اند بعد آن سیاست تغییر یافته است و لهذا شاید وجود آنها لازم نباشد و نظریات ملت بر خلاف آنها باشد لذا خوب نیست باقی باشند و اگر هم فرضاً آن سیاست در آن مدت کم تغییر نیافته باز ممکن است ملت آنها را انتخاب کند این یک دلیل موافقین با تفسیر دیگر اینکه می گویند طول مدت سبب زیادتی نفوذ یک نماینده میشود و این خیلی مهم

است زیرا که اشتداد بعرض اشخاص در يك مسند ولو اینکه اشخاص خوبی هم باشند بالاخره شاید مضر باشد یعنی در وزارت خانه ها اعمال نفوذ هائی بکنند و اگر بداند چهار سال یا پنج سال این مقام را دارا خواهد بود در وزارت خانه ها یا ولایات يك عملیاتی میکند و می گوید در چهار سال خیلی کارها میتوانم بکنیم و بعد از چهار سال هم ملت فراموش می کند اما اگر مدت کم باشد کمتر اعمال نفوذ می کنند که مبادا دیگر او را انتخاب نکنند اینهم یکی و دیگر اینکه یکی از آقایان فرمایش خوبی کرد که اوراد کردند آقای اقبال السلطان بودند که فرمودند شاید يك و کلاهی انتخاب شده باشند به يك ترتیبانی که شاید اکثریت انتخاب کننده گان از آنها راضی نباشد و اگر مدت کم باشد زودتر میتوانند از دست آنها خلاص شوند و کسانی دیگر را که خوب تر و طرف توجهشان باشد انتخاب کنند پس اینهم يك چیزی است که می گویند موند تقصیر مدت است و همینطور آنها هم که با طول مدت موافقت دلائلی اقامه می کنند که چون در مملکت ما انتخابات کار مشکلی است لهذا دیردر واقع شود و مدت زیاد شود بهتر است و علاوه اشخاصی که تازه وارد شده اند تا بترتیب مجلس آشنا شوند مجلس دوره اش تمام می شود و يك عده ناشی دیگر می آیند و تا به ترتیبات آشنا شوند مجدد دوره مجلس خاتمه پیدا میکند و این ترتیبات خیلی اسباب تعویق کار است پس بهتر این است که مدت طولانی نباشد و در عین حال بعضی هم همین دلائل کوتاهی مدت میدانند زیرا مجلس را مثل يك مدرسه فرض میکنند و می گویند و کلاء زود به زود بیایند اینجا به ترتیبات آشنا شوند و بعد دسته دیگر بیایند بهتر است تا رفته رفته مردم آشنا و به ترتیبات پارلمان بشوند علاوه بر اینها يك دلیل دیگری برای کوتاهی مدت بنظر من آمد که در کمیسیون هم عرض کردم که اگر سه سال قرار بدهیم چون دیدیم که انتخابات موجب يك انقلابانی است و اگر انتخابات را سه قسمت کنیم و آنطور که موافقین تمديد می فرمایند سالی یکدسته انتخاب شوند و مجلس دائماً باشد و انتخابات هر سال در جریان باشد دائماً در مملکت انقلابات حکم فرما خواهد بود بعضی از اشخاص از بنده سوال کردند که شما واقعاً در انتخابات چه رویه و مسلک را دارا هستید من گفتم مسلک خودم را می گویم در حالیکه گمان می کنم لازم نباشد من مسلک خودم را بگویم من یک نفر از موسسین دمکرات هستم آن وقتی که مرا نامیده فرقه دمکرات هنوز چاپ نشده بود آن مرا نامیده را پیش مرحوم آخوند ملا محمد کاظم املی الله مقامه که بنده خیلی اطمینان داشت و یک نفر از شاگردان آن مرحوم بودم فرستادم جواب نوشت خوب است و لیکن زود است و ما

هم بحسب نوشته ایشان مدتی هلنی نشدیم و کسان دیگر ما را انقلابی می گفتند در صورتی که ما خیر نداشتیم انقلابی چیست و چرا بپای می گویند انقلابی تا بالاخره باصرار ناصرالملک مسلک خودمان را هلنی کردیم و گفتیم دمکرات هستیم و هنوز هم بنده مسلک خود را تغییر نداده ام چون هر روز که آدم مسلک تغییر نمیدهد فرضاً اگر آدمهای ناخوبی داخل دمکرات شده باشند مسلک صفا فاسد نمیشود بنده در مسلک خود با حق بودم و خواهیم بود چنانکه اگر تمام دنیا مسلمان نباشد من مسلمان خواهم بود

مسلک که تغییر نمیکند در يك صورت می شود مسلک تغییر کند در صورتی که ما آن مرام را اجرا کنیم و بیینیم مملکت اصلاح نشد آنوقت يك مرام دیگر را اجرا کنیم بعضی بن گفتند حالا که مسلک تو موافق انتخابات عمومی است چرا قبضه سواد را کردی من اینجا صریحاً گفتم . . . اگر چه بدبختانه به همه قانونهایی که از اینجا میگذرد عمل نمیشود و بر عکس آن عمل می شود مثلاً در دوره دوم قانونی گذشت که وزارت داخله روزنامه تاسیس کند که امور مملکتی و ملایکرات منحل مجلس در آنجا درج شود این روزنامه اصلاً تاسیس نشد و پولها بجای دیگر می دهند و مخارج های دیگری می کنند و این کار را نمی کنند و روزنامه ها هم بدخواه خودشان هر چه میخواهند می نویسند بنده اینجا مکرر گفته ام که من قید سواد را برای حفظ حقوق عموم لازم میدانم برای اینکه اگر اشخاص بی سواد حق انتخاب کردن داشته باشند حق خودشان را ضایع خواهند کرد و از دست آنها شمشیر را می گیرند و با همان شمشیر سرشان را می برند من گفتم قید سواد برای حفظ حقوق عموم لازم است نه اینکه برای عموم حقوق قابل نباشیم هر کس دلیلی دارد جواب من را بدهد من که دلیل خود را گفتم و بعلاوه دلیل محکم دیگر من است که حالا انشاء الله آقایان رای بصومیت می دهند و دفعه دیگر خواهند دید انتخابات چه طور خواهد شد خواهند دید هیچکس بنیر ملاک در اینجا نخواهد بود و معلوم خواهد شد که يك نفر حرف صحیحی گفته است .

انشاء الله در آتی معلوم خواهد شد شاید من نمای ولی انشاء الله آقایان دیگر خواهند ماند من ذلك با اینکه شاید بحسب حال حاضر ایران مدت طولانی بشود بهتر است برای اینکه انتخابات کار مشکلی است و وسائل حمل و نقل در ایران کم است شاید از این جهات طول مدت را خوب بدانم ولی جهات دیگری هم هست که مقتضی است مدت کوتاه باشد و بهتر هم هست که کوتاه باشد چون این طول مدت در صورتی ممکن بود که ماحق داشته باشیم قانون اساسی را تغییر بدهیم و لیکن ما رجوع

کردیم بقانون اساسی آقای مشیرالدوله هم عقیدشان این بود که قانون اساسی در باب مدت تغییر نیافته و من هم همین عقیده را دارم که مدت دو سال که در قانون اساسی ذکر شده تغییر نیافته و ما هم نمی توانیم قانون اساسی را تغییر بدهیم بجهت اینکه چند ماده از یک قانون را که تغییر می دهیم معنایش این است که این ماده را بردارند و عوض اش ماده دیگری بگذارند معنایش این نیست که آن ماده را بکلی اسقاط کند مثلاً در قانون انتخابات اگر من گفتم این ماده را تغییر بدهیم معنایش این نیست که این ماده را حذف کنیم معنایش این است که این ماده را برداریم و يك ماده دیگری بجای او بگذاریم پس اگر قرضاً چند ماده از قانون اساسی بگویم تغییر کرده بجای آن چند ماده مواد دیگری گذارده اند اولاً تغییر این چهار ماده بترتیبی که واقع شده ابتدا مخالف با قانون اساسی نشده برای اینکه عموم ملت بانجمن آذربایجان اختیار داده اند و مواد را از همین جا تلگراف کرده اند که ما این چهار ماده را باین ترتیب نمی خواهیم تغییر بدهیم و آنها هم رخصت دادند و حق هم دارند آن مجلس که می آید تصرفاتی بکند اینطور هم شد و مجلس آینده هم اندک تغییری داد و الان هم همان چهار ماده داخل قانون اساسی است و بهمان ترتیب باقی است بعلاوه ماده دیگری است که بآن دست نزده اند و همین مسئله دلالت دارد که مدت مجلس دو سال خواهد بود بنابراین اگر چه طول مدت نسبت به بقاء مجلس هم بشود ولی در همین حال عقیده بنده این است که در این مملکت زود زود انتخابات شود و زود زود مجلس تغییر بیاید بهتر است بجهت اینکه سیاست ها زود زود تغییر می یابند و مردم هم تربیت میشوند و از اوضاع مجلس و ترتیبات آن مسبوق میشوند ما باید اینجا را مرکز و مدرسه تربیت عموم ملت قرار بدهیم نطق های اینجا ترتیب اینجا سرایت میکند بتمام مملکت و مردم آگاه می شوند و می فهمند اما آنچه گفته شد طول مدت سبب بقای مجلس میشود اینهم بکلی عادی از حقیقت است و ابتدا برای مجلس فرق ندارد زیرا که بعد از دو سال دولتی پیدا شد که انتخابات را اعلان نکرد چه می کنند ؟

بر فرض هم چهار سال قرار بدهیم باز تفاوت نمی کند اگر بعد از چهار سال هم اعلان نکرد چه میکند ؟ مجلس را یا باید دولت نگاهدارد یا ملت با خودش اولاً هیچوقت مجلس خودش را نمی تواند نگاهدارد .

ثانیاً هیچ دولتی هم نمی خواهد مجلس باشد کدام دولت پیدا می شود که مجلسی تشکیل بدهد و بگوید بمن اعتراض کن سؤال کن . استیضاح کن .

چکار باین کارها دارد می خواهد مجلس تعطیل باشد و خودش اختیار داشته باشد هر کار می خواهد بکند و لو هر قدر دولت خوبی هم باشد بفکر خودش است .

پس مجلس را ملت باید نگاهداری کند در ممالک دیگر هر دولتی از جاده قانون خارج شود در نزد ملت باغی است او را نمی خواهند قول و فعلش را رسمیت نمی دهند .

مالیات بآن دولت نمی دهند . قیام می کنند . شورش می کنند . می گویند قانون نقضی شده است پس ملت باید مجلس را نگاهداری کند .

اگر مجلس منحل شد و ملت نخواست مجلس را تشکیل بدهد دولت چه دردی دارد که مجلس را تاسیس کند ؟ پس ملت باید مجلس را نگاهداری کند در این صورت اگر مدت چهار یا پنج سال باشد یا دو سال باشد هیچ فرقی ندارد و برای بقای مجلس فرقی نمی کند ملت باید حس داشته باشد نفع و ضرر وجود و عدم مجلس را بداند و بسنجد البته وجود مجلس خیلی بهتر است و ملت باید آن را نگاهداری کند آن هم همه ولایات نه مثل تبریز که بیچاره تنها بماند اینطور نباید باشد . باید همه ملت حرف بزنند . همه انتخاب کنند و وکیل بفرستند . اگر اینطور شد قطعاً آن وکیل وکیل ملت است و ملت او را فرستاده .

ملت باید وکیل خودش و مجلس خودش را نگاهداری کند .

کسی دیگر حفظ نمی کند وکیل هم خودش خودش را نمی تواند حفظ کند پس طول مدت برای بقای مجلس اثری ندارد و دلیل ضرر طول و نفع مضر همان است که عرض کردم و تکرارش تصنیع وقت است و بنظر بنده علاوه بر آن که قانون اساسی در این موضوع تغییر نیافته است از بعضی جهات دیگر هم تقصیر بهتر است و همان دو سال کافی است .

(بعضی گفتند صحیح است)
رئیس - آقای وحیدالملک مخالفند ؟

وحیدالملک - بلی بنده هم با تمدید مخالفم .

رئیس - آقای حجاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

قدین - بنده هم اجازه خواسته ام رئیس - این اسمی که اجازه داده میشود در جلسه گذشته نوشته شده است .

آقای دولت آبادی (اجازه)
حاج میرزا علی محمد - بنده برای ایران وضع قانون را از اهم مسائل

می دانم و یکی از چیزهایی که برای ما لازم است مسئله تمدید است برای این که مشاهده کرده ایم در این مدت شانزده سال اگر بطور صحت حساب کنیم شاید پنج سال ونیم پشاش سال منتهی بدست مجلس بوده و برای يك مملکت مشروطه که اساس او بر روی قانون است باید بطوری باشد که قوانین لازمه علی الاتصال وضع شود پس بنده موافقم با این که طوری تمدید شود که در موقع خروج یک ربع مجلس از اکثریت نیفتد و طوری باشد که بتواند وظائف خود را انجام دهد

آقای زنجانی می فرمایند در انتخابات انقلابات حاصل می شود .

بنده مخالفم اگر يك اختلافاتی هم می شود این است که داوطلبان میخواهند کرسی و کالت را اشغال کنند و آن اختلافات هم موجب انقلاب مملکت نیست و اگر چنانچه در مدت چهار سال هر سالی يك ربع از وکلای مجلس انتخاب شوند البته بصالح نزدیکتر است . تا اینکه یکدفعه تمام وکلا انتخاب شوند و تمام مملکت دچار اختلافات شوند اما می فرمایند که نگاهداری او را هم قانون می کند . ملت هم موافق همان قانون حافظ مجلس خواهد بود . پس فقط اشکالی که داریم در قضیه قانون اساسی است . مسئله قانون اساسی در نظر بعضی از آقایان يك شبهه شده که آیا بنیم این مواد اصولی که لغو شده بجای آن ها مواد دیگری گذاشته شده شده است که ما آن ها را بسمت قانون اساسی بشناسیم و غیر قابل تغییر بدانیم یا نه ؟ خدمت آقایان عرض می کنم که عده وکلا در يك دوره صد و بیست نفر معین شده و در دوره تقنینیه دیگر ۱۳۶ نفر معین کرده اند و اگر چنانچه آن ماده بجای قانون اساسی بود باید همان عده را که انجمن آذر بایجان تعیین کرده و ۱۲۰ نفر قرار داد بهمان عده باشد و هیچ گونه تغییر و تبدیلی نکند و اینکه تغییر کرده معلوم میشود که این چند ماده بجای قانون اساسی نیست و قانون عادی است و حکم قانون اساسی را ندارد . گویا شاهزاده سلیمان میرزا بودند که فرمودند ماده پنجاهم دلالت میکند که باید مدت دو سال باشد این را تذکر میدهم که ماده پنجاهم نظر به دو سال ندارد . دو مطلب است که اصل پنجم حاکی است یکی مسئله اول که میگوید دو سال و یکی قسمت آخر که میگوید یکنوبه بیشتر تجدید منتخبین نخواهد شد و نظرش به قسمت دوم ماده است نظر به قسمت اول ماده ندارد . بنابراین بنده عقیده دارم که تمدید بهتر است و بصالح و صرفه مملکت هم نزدیکتر است گذشته از آن در سایر ممالک هم هیچوقت مدت به این کمی نبوده و اگر ما در دوره اول تقنینیه يك همچو مدتی را برای مملکت مقتضی دانستیم امروز هم باید

به بینم منقضی مملکت چیست و بعقیده بنده
متنضی امروزه چهار سال است و چهار سال
بهتر است

رئیس - آقای وحید الملک
(اجازه)

وحید الملک - بلی در این موضوع
بنده يك دلائل خیلی قوی نمی بینم که
بجهت دفاع از نظریه خودم عرض کنم چنانچه
مغالین هم يك دلائل قوی و منطقی برای
نظریه خودشان اظهار نکردند که بنده را
قانع کنند.

بعضی از آقایان می فرمایند که باید
دوره مجلس ممتد باشد برای جلوگیری از
فترت بگنید و بعضی می فرمایند خیر جلوگیری
از فترت مسئله تمديد کاری ندارد اینهم يك
فلسفه صحیحی است. چنانچه عرض کردم
دلائلی که آقایان موافقین با تمديد آوردند
چندان مقنع نبوده و شاید عرایض بنده
هم در زمینه مخالفت با تمديد خیلی
مقنع نباشد.

ولی همینقدر عرض می کنم این دلائلی که
آقایان فرمودند يك دلائلی نیست که ما
بتوانیم قانون اساسی و قانون انتخابات را
از برای رسیدن بآن مقصودی که آقایان
در نظر دارند تغییر بدهیم بعلاوه این پیشنهادی
که آقایان کرده اند که دوره مجلس ممتد
و مسلسل باشد هیچ سابقه ندارد فقط سابقه که
در خارج دارد آقای فہیم الملک فرمودند
در بلژیک است که دوره پارلمانی مسلسل است
ولی آفهم نه برای جلوگیری از فترت است
بلکه مقنن بلژیکی خواسته است طریقه
انتخاباتش تماماً بیک رویه و منظم باشد.

انتخابات بلژیک برای انجمن ایالتی و ولایتی
و برای مجلس يك شکل است و چون نخواسته
اند شکل انتخابات پارلمانی را مخالف با
انجمن های بلدی و ولایتی قرار دهند این
است که مقنن قائل شده است باینکه انتخابات
مجلس یکمرتبه نشود یعنی در هر دو سال يك
مرتبه نصف و کلاً را انتخاب می کنند فقط
در بلژیک باین ترتیب رفتار می کنند آنهم نه
برای جلوگیری از ایام فترت ولی در سایر
جاها آنچه بنده خوانده ام اینطور نیست و
سابقه ندارد برای این که فلسفه و حکمت مجلس
شورای ملی برای این است که تمام انتخابات
تجدید شود و تمام مجلس عوض شود زیرا
همانطور که افکار عمومی در مملکت تغییر
می کند بهمان ترتیب هم باید افکار مجلس
تجدید شود این است که مجلس شورای ملی
چهارم مجلس دوم نیست مجلس دوم مجلس
اول نیست.

مجلس سوم مجلس دوم نیست افکارشان
بکلی فرق می کند این يك چیز منطقی و
فلسفی است چنانچه عرض کردم در بلژیک
هم برای این که شکل انتخابات بیک رویه
باشد این سیستم را اختیار کرده اند الا از
هر قانون دان و مقنن بپرسید که و کلاً
مجلس شورای ملی باید تمام انتخاب شوند یا

يك قسمت از آنها بدون شك خواهد گفت
باید تماماً عوض شوند چون محیط فکر و
سیاست در خارج مجلس فرق می کند و باید در
داخل مجلس شورای ملی انعکاس داشته باشد
این يك امر طبیعی است و مخصوصاً در ایران
و بنده با آقایان خاطر نشان می کنم که از اول
مشروطیت تا بحال افکار و عقاید فرق کرد
محیط فرق کرده در داخل مجلس هم باید این
افکار و عقاید يك انعکاساتی بکنند این است
که ما نمی توانیم این فلسفه را که آقایان می
فرمایند اتخاذ کنیم یعنی دوره مجلس را مسلسل
قرار دهیم.

و اما راجع بطول مدت دوره های مجلس
معلوم است آقایانی که دو سال از برای عمر
مجلس شورای ملی مخصوصاً در ایران کم
است بنده از این نقطه نظر تصدیق می کنم
که چون چرخهای انتخابات ما آنطوری که
باید و شاید گردش نمی کند و خیلی بطی و
کند است شاید مصلحت باشد که دوره انتخابات
از دو سال تجاوز نکنند ولی يك چیز دیگری
هم هست که اگر آن را در يك طرف ترازو
بگذارند و این را در يك کفه دیگر و با هم
بسجند البته خود آقایان تصدیق خواهند
فرمود که آن نفعش زیاد تر است و آن این
است که چون افکار و عقاید در مملکت زود
تغیر می کند آقایان برای نمایندگان دوره
پنجم خدمتی نمی کنند که انتخابات آنها را
ادامه می دهند زیرا افکار ما در ایران
دائم التغیر است و محیط زود و تغییر میکند
بد است یا خوب است کار نداریم ولی ما باید
حقایق خود را برای خودمان مدرك قرار
بدهیم چون افکار دائماً در حالت تغییر است
انتخابات هم هر چه زود تر نزدیکتر بیک
دیگر واقع شود برای مجلس و برای حیثیت
حکومت ملی و استحکام اساس مشروطیت
بهتر است این است عقیده که بنده دارم و از
برای حیثیت نمایندگان هم خیلی بهتر میدانم
زیرا اگر نمایندگان در دوره نمایندگی
خودشان خوب امتحان بدهند باز تجدید
می شوند چنانچه دیده ایم آلاں هستند
در این مجلس کسانی که در دوره دوم و سوم
برده اند و آلاں هم هستند و امامت کراتی که
راجع باصول قانون اساسی می شود بنده هم
یکی از آن اشخاص بودم که در آن زمان در
این باب شرکت داشتم اگر چه شخصاً در
کمیونی که مأمور تغییر قانون انتخابات
دوره اول بوده نبوده ام ولی اطلاعات کامل
دارم و در جزو آقایان ملیون بودم نظر
آقایان ملیون این بود یعنی فقط دو نظر
همه برای تغییر قانون انتخابات داشتند که
یکی راجع باینکه نمایندگان طهران بود که
هست نفر بودند و این مسئله باوجود نفوذی
که حکومت محمد علی شاه در طهران داشت
مخالف بود با ما فامی که ملیون در نظر داشتند
زیرا اگر از طهران با آن نفوذ حکومتی
هست نفر انتخاب می شدند مخالف با حفظ

منافع مملکت بود این يك نظر عمده بود که آن
روز داشتند.
يك نظر دیگرشان هم این بود که این
شخصت نفر که از طهران انتخاب می شوند فوراً
و مستقیماً حق تشکیل مجلس شورای ملی را
نداشته باشند و بنابر این دو نظر دیگر
مقصودی نداشتند این بود که کمیسیون
انتخاب شد و آن کمیسیون در قانون انتخابات
دوره اول مجلس شورای ملی نظری کرد.

از طرف ملیون حسین قلی خان نواب
مأمور شد که در این کمیسیون عضویت داشته
باشد و این کمیسیون چهار ماده از قانون انتخابات
را در نظر گرفت. نه قانون اساسی را (سوء
تفاهم یا سوء تسماع نشود) ماده از قانون
انتخابات را کمیسیون تجدید نظر تغییر داد و آن
ماده نیز در اصول قانون اساسی ذکر
شده بود و چون این تغییر مخالف بود با
اصول قانون اساسی ذکر شده بود و چون این
تغیر مخالف بود با اصول قانون اساسی
رجوع کردید به انجمن ایالتی آذربایجان و
انجمن آذربایجان هم يك اجازه از سایر
مراکز گرفت و تغییر چهار ماده از قانون
انتخابات را تصدیق کردند چهار اصل از
قانون اساسی را تکرار میکنیم سوء
تفاهم نشود.

در مقدمه آن قانون هم بخوبی این مسئله
واضح است اگر آن مقدمه را آقایان به
خوانند ملاحظه خواهید فرمود همینطور
است که عرض می کنم.

در مقدمه می گوید چهار ماده انتخابات
تغیر کرده و چون در قانون اساسی اشاره
بآن چهار ماده شده بود و تغییر این ماده
مخالف بود با اصولی که در قانون اساسی
ذکر شده لهذا برای ملت رجوع کردند
ملاحظه می فرمائید نمی گوید چهار اصل
قانون اساسی تغییر کرده و آن چهار ماده
ماده اول و ماده یازدهم و پنجاه هفتم و
پنجاه هشتم قانون انتخابات است اگر
آقایان بخوانند ملاحظه خواهید فرمود که
این چهار ماده از قانون انتخابات تغییر کرده
و این چهار ماده یکی راجع باینکه نمایندگان
طهران است و یکی راجع بتعداد کلبه
نمایندگان است و یکی راجع بزمانی است
که باید مجلس منعقد شود یعنی وقتی که
نصف بعلاوه يك کلبه نمایندگان در طهران
حاضر می شوند آنوقت مجلس شورای ملی
بطور رسمی می تواند تشکیل شود ماده
دیگر هم راجع بطرز انتخابات بود که
خود بنده پیشنهادی کردم ولی بعد دیدم
انتخابات دو درجه شد و این يك اشتباه
بزرگی بود زیرا در انتخابات دو درجه يك
اهمال نفوذ هائی میشد این بود که خود
بنده مجدداً جدیت کردم که انتخابات يك
درجه و مستقیم باشد
در هر صورت آن موادی که در مقدمه

این قانون انتخابات ذکر میشود چنانکه
عرض کردم مواد يك و یازده و پنجاه و
هفت و پنجاه و هشت قانون انتخابات است
ولی اصولی که در قانون اساسی راجع به
این چهار ماده می شود اصل چهارم و پنجم
و ششم و چهل و نهم قانون اساسی است و
این تغییر است که انجمن ایالتی آذربایجان
با مشورت سایر مجامع ملی تصدیق کرده
اما اصل پنجاهم قانون اساسی به جای خود
باقی است و اصل پنجاهم هم هم مخالف با
تمديد است و هم مخالف با مسلسل دوره های
مجلس است.

الان برای آقایان آن اصل را قرائت
می نمایم اصل پنجاهم می گوید در هر دوره
انتخابیه که عبارت از دو سال است يك
نوبت امر بتجدید منتخبین بیشتر نخواهد شد
یعنی هر دو سال یکمرتبه انتخابات تجدید
می شود.

ملک الشعراء - خیر يك مرتبه بیشتر
منتخبین تجدید نخواهند شد.

وحید الملک - بنده عرض کردم هر
دو سال یکمرتبه امر بتجدید انتخابات بیشتر
نمی شود پس بموجب تصمیمی که انجمن
ایالتی آذربایجان اتخاذ کرده است در اصل
چهارم و پنجم و ششم و چهل و نهم يك تغییراتی
پیدا می شود ولی اصل پنجاهم به جای خود
باقی است و دوره مجلس شورای ملی دو سال
است و هر دو سال یکمرتبه انتخابات تجدید
می شود اگر حقیقتاً موافقین با تمديد از
روی حکمت و منطق يك دلائلی اقامه
می کردند که تمديد دوره مجلس شورای
ملی جلوگیری از يك مضامرات و سختی
هائی می کند بنده هم موافق با تمديد
مجلس می شدم ولی بنده يك چنین دلائلی
نمی بینم و علی الظاهر تمديد باعث نقض
اصل پنجاهم قانون اساسی است و بنده گمان
می کنم لازم نباشد بیش از این در این
خصوص مذاکره شود خوب است این
لایحه بکمیسیون برگردد و در آن جا در
سایر موادش يك نظریاتی بشود و چنانچه
در موضوع تجدید هم بنده عرض کردم
باید در ماده هفتم قانون انتخابات و بعضی
مواد دیگر آن که قابل اصلاح است
نظریاتی بشود و بمجلس برگردد و گمان
می کنم لازم نباشد در مسئله تمديد بیش
از این مذاکره شود.

رئیس - آقای آقامیرزا سید حسن
(اجازه)

آقامیرزا سید حسن - بنده با
تمديد مخالفم.

رئیس - موافق با دو سال هستید؟

آقامیرزا سید حسن - بلی.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - بنده عرضی

ندارم .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - آن شب

بنده یاد آور شدم که خوب است اولاً در موضوع تغییر قانون اساسی یعنی در اینکه بینیم این چند ماده که در قانون انتخابات تغییر کرده جزو قانون هادی است یا جزو قانون اساسی مذاکره کنیم وقتی که این مطلب حل شد بعد داخل در فروعات آن شدیم ولی امشب دیدم آقایان بعنوان متفرعات مطلب داخل حواش شده و از مطلب خیلی دور می شوند بنده هم مجبور شدم از موضوع پریشب قدری دور شده و جواب هر یک از آقایان را آنچه بنظر می رسد عرض کنم .
اولاً اینکه آقای وحیدالملک میفرمایند ادله اشخاصی قائل بتمدید هستند ضعیف است و همچنین ادله خودشان هم ضعیف است پس در این صورت هر دو طرف مساوی هستند ولی بنده عرض می کنم تکیه بنده بر مواد قانون اساسی است .

اولاً وقتی بقانون اساسی مراجعه کنیم می بینیم موادی راجع بانتخابات مثل ماده سوم و چهارم و پنجم راجع بمدت انتخابات و هده منتخبین و حضور هشت نفر که آقایان مکرر در مکرر خوانده اند و تکرارشان زائد است این جمله را هم بطور حاشیه عرض می کنم که آقای وحیدالملک فرمودند تمدید در دنیای متمدن هیچ سابقه ندارد اولاً در بلژیک بنده عرض می کنم قانون اساسی ما هم بعضی از موادش از روی قانون اساسی بلژیک و فرانسه نوشته شده و بعضی از مواد آن هم بحسب مقتضیات مملکت نوشته شده است فرضاً هم در هیچ جای دنیا سابقه نداشته باشد قوانین بر حسب احتیاجات مملکت نوشته می شود و هر عقیده را احتیاج تولید می کند همان مجلس که این قانون را گذرانند بعد از چند ماه بهمین نکته برخورد زیرا اگر بقانون بلذیه مراجعه بفرمائید خواهید دید که دو سال را چهار سال قرار داده که هر دو سال یکمرتبه نصف منتخبین باید عوض شوند و بعلاوه همان وقت که قانون اساسی را می نویسد تصور می کردند افتتاح مجلس ناموقی که تمام و کلاهی ایران حاضر شوند در مملکتی که نه راه آهن دارد نه و هائل حمل و نقل لا اقل یک سال طول خواهد کشید تا تمام نمایندگان در طهران جمع شوند و تاریخ افتتاح مجلس را از روزیکه تمام نمایندگان ولایات حاضر شوند معین نموده اند و بهمین جهت می توان گفت که دوره مجلس را در همان وقت هم سه سال در نظر گرفته بودند .

حالا آمدم سر مطلب دیگر آقای وحیدالملک فرمودند در این چهار ماده قانون انتخابات به چهار اصل از قانون اساسی بر بخورد و باین جهت در آنوقت به آراء

عموم و انجمن آذربایجان رجوع کرده اند و موادی که بجای آن ها گذارد شده جزء قانون اساسی است .

معلوم می شود آقایان آن هیئت را بمنزله مجلس مؤسسان فرض کرده اند .

فرض می کنم بمنزله مجلس مؤسسان هم باشد همان وقت بمجلس شورای ملی اختیار در جرح و تعدیل نظامنامه داده اند که هر طور صلاح بداند تغییر دهد و می بینم همان مجلس دوم آن قانون را از قوانین اساسی جدا کرده و جزو قوانین متعارفی نموده و تغییر داده است و اگر بفرمائید در اصل پنجم قانون اساسی می نویسد دوره مجلس دو سال است و اصل پنجاهم هم بدو سال اشاره نموده و چون در قانون انتخابات هم دو سال معین شده پس قدمت دو سال تغییر نکرده و جزء قانون اساسی است آقای ملک الشعراء توضیح دادند اگر مجلس میخواست همان دو سال را بنویسد و نظرش این بود که مسئله دو سال قابل تغییر نیست چنانچه در اصل پنجم نوشته می نوشت دو سال تمام .

پس اینکه می گوید دوره مجلس دو سال شمسی است از این تصرفات معلوم می شود که جمود بلفظ نداشته اند بلکه قانون انتخابات را بمنزله قانون عادی متعارفی دانسته و خودش را ذیه حق دانسته است که هر طور بخواهند تصرف بکنند منتهی در موضوع مدت دوره تقنینیه موافقت کرده که دو سال باشد و اما ادله که شاهزاده سلیمان میرزا برای جلوگیری از ایام فترت و ادامه مجلس بیان فرمودند که هر وقت مجلس نیست مردم مالیات ندهند اگرچه انشاء الله دیگر کودتا نصیب ایران نخواهد شد و اشخاص غاصبی روی کار نخواهد آمد

ولی اگر یک کسی غاصبانه زمام امور را در دست بگیرد و بتواند در مجلس را به بیاد و چطور مالیات را نمی تواند بگیرد ؟

اگر سبب ماده قانون هم بگذرانیم که مالیات ندهند باز هم خواهند گرفت

البته این ها دلیل نمی شود و اما نظریه آقای کازرانی و آقای شیخ محمد حسن را که بنده از مطلب خیلی دور می دانم و گمان می کنم خودشان هم از عقیدشان برگشته باشند

زیرا در دوره دوم وقتی مسئله امتداد پیش آمد و از ولایات نوشتند مجلس را ممتد کنند تا وکلای دوره سوم انتخاب شوند تقریباً چهار روز این موضوع طول کشید .

ولی آقای حاج آقا مخالف بودند وقتی که رأی به امتداد داده شد از مجلس بیرون رفتند و دیگر نیامدند و اگر آقایان در عهده خود محکم باشند مطابق عقیده

ایشان این قانون انتخابات موضوع ندارد در این صورت بودن ایشان در مجلس چه صورتی دارد .

ولی بنده تمام قانون انتخابات را صحیح می دانم و جزو قوانین متعارفی می شناسم .

یک کلمه هم در جواب آقای زنجانی عرض می کنم در چهارم صفر سنه ۱۳۲۹ که شاهزاده سلیمان میرزا از طرف بیست و دو نفر مأمور بودند اظهار عقیده بکنند فرمودند انتخابات مخفی و مستقیم و عمومی باید باشد و سواد را هم شرط ندانستند و در خصوص قانون انتخابات هم دمکرات ها یک هاهوئی در مسجد شاه کردند حالا اگر دمکرات ها دو قسمت شده اند و یک دسته سواد یون شده اند و فقط به سواد دارها حق رأی می دهند و دسته دیگر به بی سواد ها هم حق رأی می دهند بنده عرض می دارم .

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن

(اجازه نطق)

آقای میرزا سید حسن کاشانی -

این چند شبی که راجع به تجدید نظر در قانون انتخابات مذاکره شد معلوم شد نظر آقایان دو چیز است :

یکی اینکه طرز انتخابات صحیح تر و بهتر بشود و دیگر اینکه مدتش زیادتر بشود .

ولی به عقیده بنده این اشتباه است تمدید و غیره تمدید فرق بفرماید کرد و مثل اینکه سابق انتخابات در تحت نفوذ متنفذین انجام خواهد گرفت و بعلاوه تمدید مخالف با اصل پنجاهم قانون اساسی است .

مآراء اصلی را رها کرده ایم و به حواشی و فروعات می چسبیم .

بعقیده بنده باید از دولت بخواهیم که اعلان انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی را بدهد تا از این مشکلات جلوگیری بشود

الان که مجلس شورای ملی منعقد است وعده از کلام اعتبار نامشان گذاشته است هنوز به مرکز حاضر نشده اند بر فرض که قانونی هم وضع کنیم و برای زمان مجلس شورای ملی تمدید را فائز شویم بعقیده بنده اینها جلوگیری از فترت نمی کند و یگانه راه برای حصول این مقصود همان تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی است که باید در این ایالات و ولایات منعقد باشد و نظارت در جریان انتخابات نماید که انتخابات بطور سریع و صحیح واقع شود .

رئیس - آقای ملک الشعراء

(اجازه نطق)

ملک الشعراء - مطلب بعقیده بنده

ساده و مثبت بود که تصور نمی کردم این اندازه در اطرافش صحبت شود متأسفانه چون صحبت زیاد شد بنده هم ناچارم جواب راطولانی عرض کنم .

یک قسمت از اجوبه بنده را شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند .

دلایلی که ما برای لزوم تعدیل اقامه کردیم فوق العاده ساده و مختصر بود و در عوض جواب هائی که شنیده میشد خیلی درهم و بعقیده بنده با یک نتیجه غیر مشخص بنظر می آید .

یک قسمت شاهزاده سلیمان میرزا در جلسه گذشته بیان فرمودند و بعقیده خودشان فوق العاده جامع الاطراف بود مسئله مالیات بوده و تصور می کردند این یک حربه قاطعی برای جلوگیری از ایام فترت خواهد شد و حال آنکه بطوریکه گفته شد دولتی که بتواند در مجلس را به بنده بطور یقین می تواند مالیاتی را که مجلس دادن آنرا تصویب نکرده بگیرد .

الان با بودن مجلس مالیاتی را که از مجلس نگذشته دولت می گیرد و مانمی توانیم یا نمی خواهیم حرف بزنیم پس وقتی دولتی پیدا شد که از بی حسی یک ملت استفاده کرد و یک مجلس را قهراً بست و یک جنایت اجتماعی را مرتکب شد آنوقت می تواند مالیات را هم از رعیت جبراً بگیرد و اگر رعیت آنقدر قوی بود که مالیات بدولت ندهد اجازه کودتا به آن دولت نمی داد و از انفصال مجلس جلوگیری می کرد و اورا نگهداری می نمود . امبدواریم در آتیه در سایه نیات حسنه نمایندگان محترم و تمدید ادوار تقنینیه و در سایه تسلسل پارلمانها و ممانعت از ایجاد ایام فترت افکار عمومی تقویت شود و در نتیجه توسعه معارف و مدارس با سواد و بوظیفه خود آگاه شوند و بتوانند از کودتا و جنایت های اجتماعی و سیاسی جلوگیری کنند و در غیاب مجلس بدولت مالیات ندهند و بر ضد آن دولت قیام کنند و بالاخره اصل ثابت قانون اساسی را که می گوید اصول مشروطیت جزاً و کلاً تعطیل بر دار نیست تکیه گاه خود قرار داده و نگذارند دولت به نیت خودش عمل کند

پس به عقیده بنده این دلیل حضرت والا کافی نبوده و اما راجع باین چهار اصل قانون اساسی مکرر عرض کردم آن چهار ماده قانون اساسی در نتیجه مراجعه به آراء عمومی بی اثر شده است و بجای آن ها یک قانونی به اسم قانون انتخابات نوشته شده است که آن قانون انتخابات هم در دوره دوم با حضور خود آقایان نمایندگان گانی که در این دوره تشریف دارند عرض شده است و چهار اصل دیگر بجای آن وضع شده به عقیده بنده این تصور صحیحی نیست زیرا ما

می بینم بجای این چهار اصل چیزی در قانون اساسی گذارده نشده و این چهار اصل بجای خود هست ولی عقیم است و اگر این چهار اصل قانون اساسی عوض می شد در نتیجه رفرا اندم ملت به مجلس آینده حق مبداء که این چهار اصل را بجای آن چهار اصل بگذارند آنوقت باید این قانون را از بین ببرند و مجدداً یک قانونی بنویسند و این چهار اصل را بجای آن چهار اصل بگذارند ...

سلیمان میرزا - تقصیر کیست ؟

ملك الشعراء - بهر حال متأسفانه این کار را نکرده اند در قانون انتخابات با نااهم که اینجا خوانده شد ملاحظه فرمودید که صریحاً نوشته این چهار ماده الغاء شده و با اثر است . یک حرفه قاطع حضرت والا مسئله مالیات ندادن بود و دویشان اصل پنجاهم قانون اساسی است که به عقیده بنده هسته اعتراضاتشان غیر از این دو مسئله چیز دیگری نبود جواب قسمت اول عرض شد . راجع به اصل پنجاهم گفته شد نتیجه این اصل مسئله دو سال نیست برای اینکه هر اصلی از اصول قانون اساسی باید دارای یک هسته های مستقل و یک موضوعات بالا استقالی باشد که آن اصل بواسطه آن هسته و آن موضوع مستقل شناخته شود همچوقت دیده نمیشود یک هسته و یک موضوع مخصوصی در دو اصل جزو اجزای مستقله آن دو اصل قرار داده شود و بعقیده بنده این هم منطقی غلط است و هم عملاً زیرا اگر هسته و روح اصل پنجاهم مسئله دو سال باشد دیگر این اصل با اصل پنجم هیچ تفاوتی نخواهد داشت و بعقیده بنده و بعقیده قسمتی از آقایان يك تكراری است که در قانون اساسی شده پس اینطور نیست و حقیقت این اصل و قسمت معنی دار اصل پنجاهم این است که در هر دوره تقنینیه ممکن نیست بیش از یک مرتبه مجلس بسته شود و بیش از یکدفعه ممکن نیست انتخابات تجدید شود منتهی عبارت قدری پیچیده است و همین مسئله آقای وحیدالملک را بشبهه انداخت اصل پنجاهم میگوید و هر دوره انتخابی که عبارت از دو سال است یکنوبت امر به تجدید متعین بیشتر نخواهد شد یعنی بیش از یکنوبت نمیشود مجلس را در يك دوره تقنینیه بست

(جمعی گفتند صحیح است)

سلیمان میرزا - خیر اینطور نیست

ملك الشعراء - اصل چهارم و هشتم میگوید هر گاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا به مجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضاء مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضاء دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در ماده متنازع قهار سیدگی می کند .

نتیجه رأی این مجلس را در مجلس شورای ملی قرائت می کنند اگر موافقت دست داد فیه و الا شرح مطلب را بر عرض

حضور ملوکانه میسرانند هر گاه رای مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجرا میشود اگر تصدیق فرمودند امر بتجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دوثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر می شود و اعلیحضرت همایون در همان فرمان حکم بتجدید انتخاب می فرمایند و مردم حق خواهند داشت متعین سابق را مجدداً انتخاب کنند و اصل پنجاهم برای تکمیل این اصل می گوید که در مدت دو سال پیش از یکدفعه محال است این قضیه واقع شود حالا دوره تقنینیه هر قدر می خواهد باشد در يك دوره تقنینیه بموجب اصل پنجاهم بیش از یکدفعه نمی شود این عمل را کرد .

سلیمان میرزا - این تفسیر غلط است .

ملك الشعراء - سلیقه بنده اینطور

می گوید که مقصود از اصل پنجاهم این است که بیش از یکدفعه نمی توان در يك دوره تقنینیه انتخابات نمایندگان را تجدید نمود .

این ماده می خواهد بگوید که در هر ماه و هر هفته پادشاه و هیئت وزراء و مجلس سنا می توانند باهم بسازند و مجلس شورای ملی را تعطیل کنند .

این را هم عرض می کنم که بنده باین اصل معتقد نیستم و حتی الامکان سعی دارم مجلس سنا تشکیل نشود ولی بنده تصور می کنم که برای تکمیل اصل چهارم و هشتم اصل پنجاهم نوشته شده .

يك قضیه دیگری هم حضرت والا در نقطه شان فرمودند که اگر بنا باشد همیشه رفرا اندم بشود دیگر قانون اساسی نخواهیم داشت

سلیمان میرزا - بنده هیچ چیز

نگفتم

ملك الشعراء - اگر فرمودید بنده هم دیگر تعقیب نمی کنم .

سلیمان میرزا - بنده گفتم اگر قانون اساسی تمام موادش رفرا اندم می شد پس حالا بایستی قانون اساسی نداشته باشیم **ملك الشعراء** - شرحی هم راجع به تفسیر بعضی اصول قانون اساسی فرمودند که اگر جمعیتی که ایشان جزو آنها هستند در آتیه اکثریت پیدا کنند آن مواد را اصلاح می کنند .

البته همین مراجعه بافکار عمومی و تفسیر این چهار اصل دلیل بر این است که بعضی اصول قانون اساسی عملی نیست یا با مقتضیات وقت مناسبت ندارد و خود این مسئله می فهماند که بعضی از مواد قانون اساسی بایستی اصلاح شود و باید يك مفتاحی معین نمود یا بوسیله رفرا اندم بشایندگان

دوره پنجم اختیار داد که قانون اساسی را بموجب مرام آزادیخواهان و ملیون حالیه ایران اصلاح کنند و البته بنده هم باحضرت والا هم عقیده هستم و اما راجع بمسئله هم که در اینجا صحبت شده بنده خواستم متذکر شوم که مسئله تمدید مدت مربوطه بمسئله سیاسی و اجتماعی نیست زیرا این مسئله در درجه دوم است و از قضایای عادی است و اگر بنده در این مسئله با حضرت والا مخالف باشم در مسلك من تغییر پیدا نشده .

مسئله بنده دموکرات است و در مسلك خودم مخالفتی با تمدید نمی بینم آقای زنجانی هم شرحی فرمودند در صورتی که در کمیسیون خیلی صحبت کرده بودیم و بنده تصور می کردم در آنجا افغان شده اند ولی باز حالا عدم افغان خودشان را اظهار کردند و جوابهای هم بایشان داده شد فقط يك مسئله از بعضی آقایان شنیده می شود و آن اینست که ما همیشه در قضایائی که داخل می شویم از نقطه نظر بدبینی و پس میستی جلو برویم همیشه فکر هائی که برای ما پیش می آید از نقطه نظر بنده بودن جریانات آینده است هیچوقت از نقطه نظر نیک بینی یا عدم متوسط و طبیعی نیست مثلاً آقای زنجانی می فرمایند اگر در يك گوشه مملکت انتخابات بشود در تمام مملکت دائماً انقلابات در جریان است .

در صورتی که انتخابات با انقلابات هیچ مناسبت ندارد . انتخابات مجلس شورای ملی نتیجه يك هیجانها و تراوش حیثیات عمومی است هیچ مربوط با انقلاب نیست بنده طرفدار خودگی ملت نیستم و نمی خواهم مجلس شورای ملی و هیئت وزراء مثل آخوند مکتبی چوب در دستشان باشد و مردم هم مثل بچه های مکتبی راه بروند و هو الفتح العظیم بخوانند .

بنده و شما باید وسیله تموجات فکری همورا فراهم کنیم و باید مردم را به جانها و تموجاتی که در تحت نظر قانون اداره می شود و برای پیش رفتن مسلك و موفقیت حزبی و مظهریت

عقیده تشویق و ترغیب کنیم . این را با انقلاب تشبیه فرمائید اگر چه خود انقلاب هم مقدس است ولی يك مسئله است غیر از قانون بنا بر این بنده چون بدبین نیستم خیلی خوش وقت می شوم که هر سالی يك نلث یا يك ربع یا يك خمس نمایندگان در ایران انتخاب شوند و همیشه يك تموجها و يك نوسانها و اهتزاز های روحی و فکری در مملکت باشد و ببینیم در فلان گوشه مملکت آن حزبی که مابا او علاقه داریم و با او منسوب هستیم در انتخابات موفق شده است و هیچ وکیل بیش از سایر احزاب در موقع انتخابات دارد ما باید همیشه نیک بین باشیم . مثلاً بعضی اظهار میکنند شاید مردم از وکل راضی نشوند این از

نقطه نظر بدبینی است ما باید سعی کنیم و اقدام بنمائیم که در مملکت احزاب سیاسی با اصول محکم و دیسیپلین های عالی پیدا شوند و بالاخره انتخابات آینده را بدست يك جمعیت های سیاسی بدهم که در هر دو ماه یکدفعه عوض نشوند و نظر آنها بطوریکه آقای وحیدالملک فرمودند افکار در ایران زود عوض میشود برای اینکه افکار ریشه دار کم است و احزاب از بین رفته اند و اختلافات جمعی و سیاست های متلون پشت سر هم ایجاد شده يك روز اولتیماتم داده اند و يك روز جنگ عمومی پیدا شده و بالاخره يك روز اقدامات آلمان و اطریش و هثماني ایجاد و يك حرکاتی در ایران کرده است يك روز فتح متفقین در ایران تأثیر کرده و يك روز انقلاب روسیه و همینطور در عرض هشت سال مملکت تا دستخوش يك وقایع عظیم سیاسی بود و این اختلافات افکار و رهش های فکری و عقیدتی بواسطه اختلافات و موج های سیاسی است والا خود ایرانها هیچ حاضر نیستند و شاید اخلاق ایرانی اجازه نمیدهد که هر چند روز عنصر ایرانی دارای فکر خاصی باشد بلکه یکی از اعتراضات ما بمنصر متری مسئله تعقیب و جمود بود است حالا آن ثبات فوق العاده که بعد افراط رسیده بوده و مستقر بود مبدل بتلون فکر و عقیده سیاسی شده است این تلون عقیده سیاسی هم برای قضایای خارجی و ضعف مملکت است .

هرج و مرج قوا مملکت را تمام کرده ادوار فترت و خود سری رجال خون ملت را گرفته است اینست که هر تغییر سیاسی در دنیا پیدا میشود در مملکت ما فوراً تأثیر او آشکار میشود مثلاً در کنفرانس ژن يك قضایائی پیدا میشود فوراً می بینم در تهران در محله دولت تأثیر می کند باید این چیز ها را مرتفع نموده و با ادامه مشروطیت و ایجاد احزاب سیاسی ملتین و محکم و ثبات عقیده کار کرد .

یکی از اصول عقاید بنده ادامه است و شش سال قبل هم که روزنامه بنوشتم مکرر گفته ام دولتهای ما باید افلا پنج سال دوام پیدا کند آنوقت زمان کابینه مرحوم علاه السلطنه بود حالا هم همان عقیده را دارم و یکنانه بلای مملکت که مملکت را ضعیف و دستخوش امواج خارجی کرد و نتیجه اش ارتعاش افکار و زود زود عوض شدن افکار است بطوری که آقای وحیدالملک فرمودند بحرانیهای ستوالی است که در مملکت پیش می آید .

در مملکتی که ۳ ماه یکدفعه کابینه اش عوض میشود البته نه ثبات می ماند نه حزبی ایجاد می شود . نه سیاستی باقی می ماند نه نقشه اصلاحی کشیده میشود و نه حزبی دوام می کند . ما باید با اصول دوام موافق باشیم پارلمانهای ما باید دوام داشته باشد نه اینکه

مثل مدرسه باشد که یکمده بی اطلاع وارد آن شده و یک کلاس ناصبی را طی نموده و خارج شوند تا تمام اوقات پارلمان صرف تنظیم کلاس ها و تربیت آقایان بشود. باید بوسیله ایجاد احزاب سیاسی و جماعات وطنی انتخابات پارلمان را پیش برد. باید عوض اینکه ساله می کنم شاید موکلین از وکلایشان راضی نبودند و خواستند تجدیدشان نمایند سعی کنیم حزب ایجاد نمائیم و جرأت آبرومند شرافتمند تهیه کنیم و بعد از تمام اینها وکلای اکثریت را در روی این کرسیها بنشینیم تا مملکت را بکلی خراب و با آباد از حال احتضار خارج نمایند.

عقیده بنده موافق امتداد است. بنده در دولت ها با امتداد موافقم و میل دارم دولت ها و کابینه ها لااقل شش یا ده سال دوام داشته باشند همین طور راجع به پارلمان هم باید بتمدید قائل شد نباید مایوس شد باید امیدوار باشیم که با این وسائل که عرض کردم عوض آنکه عقیده موکلین و یک ماه بیک ماه عوض شود ده سال بده سال یک احزاب قوی مثل احزاب سایر دول اسلامی و ملی عالم پیدا شوند و اکثریت پارلمان را ببرند

این را هم نمی توان گفت که اگر وکیل دوام پیدا نماید در وزارتخانه ها را پیدا نمود و اعمال نفوذ خواهند نمود زیرا عقیده بنده وکیل قبل از اینکه بمجلس بیاید راه وزارتخانه ها را می داند و در آن جا ها کار کرده و هوچی بوده است بعد کار قاجار کن شد و بالاخره لیدریک دسته بزرگ با کوچک گردیده و بعد پارلمان آمده است پس از این راه نباید نگرانی داشت زیرا بدبختانه بچه ها هم امروزه وزارتخانه ها را می دانند و راه اعمال نفوذ و تهدید و وزیر را یاد گرفته اند شاید می خواهیم خودمان را فریب بدهیم

چنانچه عرض کردم ما باید حوزه و حزب داشته باشیم و اکثریت را بوسیله احزاب سیاسی ببریم و بالاخره کاری بکنیم که وزراء بدانند مجلس در اعمال تمام آنها نظارت می کند و مسئولیت خواهند داشت همیشه خیال می کنم و کیلی که بمجلس می آید باید وکیل گدا و کارچاق کن باشد و وزارت خانه ها برود و همیشه موکلین از او ناراضی باشند عقیده بنده این بدفکری و فکر پستی میستی است و باید از دفاع خودمان این افکار را خارج نمائیم آقای زنجانی بمشکله تمديد اعتراض دیگری کردند و اگر در آخر پنج سال دولت انتخابات را تجدید نکرد چه باید کرد که به عقیده بنده اگر ما تمديد با تسلسل را قائل شویم هیچوقت خاتمه برای دوره های مجلس تصور نخواهیم کرد زیرا دوره ها

بهم پیوسته است و در تحت نظارت خود نمایندگان دولت مسئول امور انتخابات می باشد.

بلی اگر یکدفعه دوره های مجلس خاتمه پیدا نماید (چنانچه حالا هم بمینطور است) این ایراد آقای زنجانی وارد است و ما هم بهمین جهت است که بدو سال اعتراض می نمایم زیرا دوره مجلس یک دفعه تمام می شود.

عقیده بنده بتسلسل دوره ها است برای این است که اگر پنج سال باشد همیشه لااقل چهار خمس از نمایندگان در مجلس هستند دولت هم نمی تواند وکلای که هنوز دوره و کالشان سر نیامده خارج کند و هم نخواهد توانست در امر انتخابات مداخله نماید و البته با بودن اکثریت مجلس نمی تواند بتعلیل و طفره بگذراند.

بلی اعتراض آقای زنجانی در صورت تعطیل دوره های مجلس وارد است چنانچه در مورد دو سال هم وارد می باشد.

پس در این جا من و شما هر دو شریک هستیم همچنین اعتراض آقای وحیدالملک هم بتسلسل ادوار تقنینیه وارد نخواهد شد زیرا امیدواریم نظریه اصلاحاتی که در دوره آینده در قانون اساسی می شود آن نگرانی ها که حضرت والا در چند جلسه قبل در مورد مجلس سنار شاه و وزراء فرمودند رفع شود و بر فرض هم که مقتضیات ملت و افکار عمومی و جمعیت های سیاسی موفق شدند که مجلس سنا باشد در آن صورت هم اگر ما اصل پنج سال یا سه سال را برای دوره های مجلس قائل شویم در آن مدت پنج سال یکدفعه بیشتر شاه حق عوض کردن مجلس را نخواهد داشت.

آقای وحیدالملک فرمودند تسلسل دوره های مجلس در هیچ جای دنیا سابقه ندارد بنده عرض میکنم باز مسئله تسلسل چنانکه فرمودند در بلژیک سابقه دارد ولی دو سال که بهیچوجه سابقه ندارد و تصور می کنم در موقعی که قانون اساسی را نوشته اند و از برای دوره تقنینیه دو سال مدت معین نموده اند در تحت نفوذی بود و متأثر بتأثیرات درباری بوده اند و از طرف دربار محمدعلیشاه مخلوع یک نفوذی اعمال شده بوده است والا آنها هم برای دوره تقنینیه دو سال تعیین نمی نمودند امروز که ما متأثر بتأثیرات دربار ظالم سفاک نیستیم و خوشوقتانه هیچ وقت هم نخواهیم بود. بایستی آن مسئله را جبران نمائیم و با امتداد قائل شویم و اذعان نمائیم که هر قدر آقایان مخالفین بخواهند با دلائل خیلی ضعیف ثابت نمایند که این ترتیب مضرانی دارد باز هم باید تصدیق کرد که منافع آن خیلی زیاده تر می باشد که یکی از آن منافع جلوگیری از ایام فترت و همان منفعت در مقابل هر ضرری که تصور بفرمائید

قانون دولتی از ملت ایران سلب شده و ایام فترت نگذاشته توده ملت ورنجبران و برزگران آشنا بقوانین بشوند ما اگر بتوانیم بوسیله تمديد از این عوامل بدبختی جلوگیری کنیم این خود یک خدمت گرانبهائی بمملکت خواهد بود و بکلی آن احتمالاتی را که در اطراف این مسئله می رود تحت الشعاع خواهد گذاشت و بالاخره باز ناچارم که مجدداً عرض کنم که دلائل موافقین تمديد بطور خلاصه از قرار ذیل است اولاً بی اثر ماندن چهار اصل قانون اساسی که قائم مقام آن اصول یک قانون عادی شده و آن قانون عادی هم در مجلس دوم تغییر پذیرفته و ما هم حق داریم آن را تغییر بدهیم. ثانیاً جلوگیری از ایام فترت

ثالثاً تجربه یافتن نمایندگان را بآمل علاقه مند شدن مردم بنمایندگان و حکومت شوروی و ایجاد احزاب قوی سیاسی و بالاخره هزاران دلیل دیگر حال اگر آقایان دلائلی دارند که با عدم تمديد نیز میتوان ازاد وار فترت و غیره جلوگیری نموده بشرط آنکه دلائل آنها نیز حقیقت نباشد که بتوانند مخالفین را قانع نمایند بفرمائید اما ما هم اگر دیدیم با آن ترتیب از مسامحه دولت در امر انتخابات (مثل انتخابات آباءه و غار و ورامین که چندین ماه طول کشید) جلوگیری خواهد شد و بالاخره اگر دیدیم مثل مسئله انتخابات طهران که پس از فریاد های زیاد مردم از رجب ۱۳۳۶ شروع شده و بواسطه تحریک خود دولت یکدفعه تا محرم ۱۳۴۰ تاخیر شد نخواهد شد ما هم قانع خواهیم شد خائنانه هم بایستی عرض کنم که از خارج شنیده ام در بین بعضی از هموطنان ما گفته می شود مجلس می خواهد برای همیشه دوره چهارم تمديد را قائل شود این است که بنده یادآوری می کنم این نشریات بی مورد بوده و ماحق نداریم برای خود تمديد مدت را قائل شویم بلکه ما برای دوره پنجم تقنینیه و بعد زحمت می کشم

رئیس - چند دقیقه تنفس میشود (جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده لازم میدانم این جمله را عرض کنم که اول باید مطلب را تفکیک نموده که آیا مخالفت با قانون اساسی یا صلاح بودن تمديد و عدم تمديد موضوع بحث ماست اما راجع بمخالفت قانون اساسی یک شرحی آقایان مذاکره فرمودند و بنده لازم میدانم در این موضوع مذاکره شود برای اینکه این مسئله از مسائلی است که در بدو انتخابات دوره پنجم محل حاجت نیست بلکه بعد از

انقضای يك یا دو سال از دوره پنجم محل حاجت خواهد شد و اگر چنانچه در موقع انتخابات جدید بمردم اخطار شود که يك اختیاراتی بنمایندگان دوره پنجم راجع به مذاقه در قانون اساسی بدهند البته این اشکال هم رفع خواهد شد.

اگر مخالفت با قانون اساسی نداشته باشد رای این مجلس را تصویب خواهند نمود و اگر هم مخالف با قانون اساسی بدانند ترتیبی خواهند داد اما راجع به اینکه مصلحت در تمديد است و یا در انقصال مجلس آقایانی که طرفدار انقطاع مجلس هستند بنده نفهمیدم که دلیل مقتضی داشته باشند و چنانچه در جلسه گذشته عرض کردم در این چند ساله مشروطیت این مسئله به تجربه رسیده است که مجلس اگر چه بعضی از نمایندگان هم مرضی عامه نباشند باز وجودش بهتر از عدم او است و برای اینکه مجلس فاصله پیدا ننماید و فترت پیدا نشود هیچ راهی غیر از این که سالی یک مرتبه انتخاب ثلث یا ربع نمایندگان تجدید بشود بنظر نمی رسد و گمان میکنم بیش از اینهم مذاکره در این موضوع موجب تضییع وقت مجلس باشد.

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - متأسفانه در موقعی که مذاکره می شود آقایان موافقین و مخالفین به اصل موضوع که مطرح بحث است جواب نمی گویند و به شاخ و برگ پرداخته و جواب منضمات را میگویند آقای سلیمان میرزا در جلسه گذشته یک اعتراضی فرمودند که بنده منتظر جواب آن از طرف موافقین با تمديد بودم و بدبختانه جوابی نشنیدم. اعتراض شاهزاده این بود که در دوره دوم از ملت اجازه خواسته شد که چهار اصل قانون اساسی را که راجع به انتخابات است تغییر بدهند و این اجازه از طرف ملت داده شده. یکی از آن اصول اصل پنجم بود که منتخبین را برای دو سال تعیین نموده و ابتدای آن را از روزی قرار داده که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر باشند و این اصل یک مشکلاتی داشت چون جمله اول آن دلالت می کند که منتخبین برای دو سال تمام انتخاب میشوند و جمله دوم این است که ابتدای آن مدت از موقعی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر باشند و در این صورت ممکن بود اصلاً يك ولایتی میل نداشته باشد وکیل انتخاب کند آنوقت با این ترتیب مجلس نمیتوانست تشکیل گردد. وقتی باین مشکل برخوردند اجازه خواستند این اصل را اصلاح نمایند و بعد از تعصیل اجازه جمله اخیر را اصلاح کردند و جمله اول را بحال خود باقی گذارند یعنی جمله

اخیر را باین طور اصلاح کردند که هر وقت عده نمایندگان گاه حاضره در طهران بالغ بنصف بعلاوه يك شد پارلمان رسماً مفتوح خواهد شد ولی جمله اول را که مدت دو سال است تغییر ندادند بجهت این که اصل پنجاه هم به حال خود باقی مانده چون اصل پنجاه هم می گوید در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است الی آخر از این اصل معلوم می شود که دوره مجلس بیش از دو سال است ممکن نیست باشد . در این خصوص از آقایان موافقین جوابی نشنیدم مخصوصاً دلیل عده آقایان موافق با تمدید جلوگیری از ایجاد دوره فترت بوده . بنده هر چه فکر می کنم می بینم بتمدید مدت جلوگیری از ایجاد دوره فترت نخواهد شد . بجهت اینکه اگر انتخابات بموقع خود تمام نشود ربطی بتغییر ماده ندارد . در سنه ۱۳۳۵ شروع بانتخابات کردند و تاحالا که ۱۳۴۰ نیافته .

البته يك موافقی موجود است که باعث طول مدت انتخابات می شود . آقای ملک الشعراء فرمودند که اگر دوره تقنینیه ۴ سال یا ۵ سال باشد بطوریکه در هر سال یک قسمت از وکلاء حاضر شوند دوره پارلمانی قطع نخواهد شد بنظر بنده این کار يك اشکال دیگری دارد و آن این است که اگر مسامحه در انتخابات آن يك نلت بایک ربعی که باید هر ساله انتخاباتشان تجدید شود واقع شود آنوقت چه باید کرد ؟

و کی موافق خواهد نمود
ملک الشعراء - مجلس
اقبال السلطان - مجلس هیچ وقت مواخذه نمی کند . مجلس همیشه میل دارد دوره تقنینیه ده سال باشد بنا بر این از دولت مواخذه نمی کند که چرا انتخابات را تعقیب نکرده اند و وکلا را بر مرکز حاضر ننموده اند پس کی باید از دولت مواخذه کند ؟

آقاسید یعقوب - قانون
اقبال السلطان - آیا قانون در انتخابات ممتد اجرا میشود ؟

اگر قانون را اجرا می کردند امشب ما اینهمه داد و بیداد برای جلوگیری از ایام فترت نمی نمودیم . بنده همانطور که عرض کردم عقیده ام این است که موافق قسمی که یاد نموده ایم مخالفت با قانون اساسی ننمائیم و بهمین جهت است که با اصل تمدید مخالفت می نمایم برای اینکه اصل پنجاه هنوز تغییری ننموده است و اگر می خواستند جمله اول اصل پنجاه را هم تغییر بدهید یقیناً اصل پنجاه را هم بحال خود باقی نمی گذارند .

رئیس - ۶ نفر از آقایان پیشنهاد

کرده اند که مذاکرات کافی باشد . باید رای بگیریم . آقایانیکه تصویب میکنند مذاکرات کافی باشد قیام فرمایند .
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است .

پیشنهادی راجع بتمدید نشده است باید رای بگیریم بآنچه در قانون انتخابات ذکر شده است یعنی بدو سال . . .

نصرت الدوله - اجازه می فرمائید

نصرت الدوله - رای گرفته می شود بقانون فعلی آنهایی که موافق با تمدید هستند ناچار رد خواهند نمود .

رئیس - بلی اینطور است .

نصرت الدوله - خواستم این توضیح داده شود تا مورد اشتباه واقع نشود

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده با کمز تا سرف عرض می کنم که آقایان رأی دادند که مذاکرات کافی باشد در صورتیکه ظلم بعقیده بنده نمودند بنده در جلسه گذشته اجازه خواسته بودم و مخالف با تمدید هستم چون برخلاف نص صریح قانون اساسی است حالاً می خواهند رای بدهند .

رئیس - سی نفر غیر از شما اجازه خواسته اند .

تدین - در موضوع باین مضمون نمی شود مذاکرات را باین زودی کافی دانست .

رئیس - اگر بنا شود در هر موضوعی تمام آقایان حرف بزنند باید ده یا نوزده جلسه مجلس صرف یکمطلب بشود .

چون شما حرف زده اید و راضی نیستید که نمی شود داد و فریاد کنید .

(آقای تدین حرکت نموده از مجلس خارج شدند)

رئیس - شما اظهار می کنم رای می گیریم . . .

مدرس - پیشنهادی شده است .

رئیس - قرائت میشود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم که مدت سه سال باشد

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - چون بنده اجازه خواسته بودم و آقایان بکافی بودن مذاکرات رأی دادند و نوبت بنده رسید لذا پیشنهادی کردم و عقیده بنده این است که در قانون اساسی چهار اصل بیشتر متعلق بقانون انتخابات نیست .

اصل پنجاه ربطی بانتخابات ندارد و این چهار اصل در حقیقت نسخ شده و تغییر کرده است و دلیل آنهم این است

که انتخابات صنفی دو درجه شده و بعد تبدیل بیک درجه نموده و عده ۱۶۲ نفر تبدیل به ۱۲۰ نفر شده و بعد ۱۳۶ نفر شده است .

لذا کیفیت انتخابات تغییر کرده و این قانون قانون هادی شده است و دلیل بر آنکه مدت دو سال هم جزو قوانین هادی شده این است در نظامنامه انتخابات هم تصریح شده است که انتخابات برای دو سال است و اگر تغییر نکرده بود البته حواله باصل قانون اساسی می کردند و این که بالخصوص در قانون انتخابات ذکر کرده اند بواسطه همین نکته است بناء علیهذا برای اینکه رای خود را گفته باشیم پیشنهاد می کنم که در آتی مدت انتخابات سه سال باشد .

رئیس - آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - عقیده بنده اینست چنانکه آقای رئیس فرمودند اول در مسئله تمدید یا عدم تمدید رای گرفته شود و بعد از آن در پیشنهاد آقای مدرس مذاکره شده و رای بگیرند .

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی -

بنده چون کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات هستم از پیشنهاد آقای مدرس دفاع میکنم .

آیا اگر چیزی در قانون اساسی باشد در سایر قوانین هم ذکر شده باشد لازمه اش این است که از حکم قانون اساسی خارج شد ؟

مدرس - بلی باید اشاره بشود .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - خیر چون در قانون اساسی دو سال ذکر شده باید همان دو سال باشد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده عضو کمیسیون نیستم .

رئیس - آقای فهم المملک (اجازه)

فهم المملک - اولاً در موضوع فرمایش آقای زنجانی که فرمودند در قانون اساسی دو سال ذکر شده توضیحات عرض می کنم همان مجلس دوم که قانون انتخابات فعلی را تصدیق نمود رای بتمدید مدت دوره خودش داد .

همین يك دلیل بزرگی است که دو سالی را که در قانون انتخابات ذکر کرده اند بر حسب قانون متعارفی بود .

بنا بر این مجلس حق تفسیر آن را دارد ولیکن حالا نمی توان راجع بپیشنهاد آقای مدرس مذاکره کرد بلکه باید اول در تمدید و عدم تمدید رای گرفته شود و

بعد از تصویب تمدید داخل آن موضوع شد .

مدرس - پیشنهاد خود را مسترد می دارم .

رئیس - پیشنهاد دیگری رسیده است قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ما امضاء کنندگان پیشنهاد می کنیم که در اصل تمدید رای گرفته شود و در کیفیت علیحدہ صحبت شود . دولت آبادی آقاسید یعقوب .

رئیس - توضیحی دارید ؟
دولت آبادی - خیر

رئیس - رای می گیریم باصل تمدید . آقایانی که با تمدید موافقت قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . عده حاضر ۶۸ نفر و ۳۶ نفر رای دادند . حالا به کمیسیون مراجعه شود یا خود آقایان پیشنهادی میکنند ؟

سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده سؤال میکنم در صورتیکه در اصل پنجاه مسئله دو سال صریح است و بنده اینهمه اصرار کردم که به صورت مجلس و مذاکرات دوره دوم رجوع شود و آقایان اکثریت قبول فرمودند آیا رایی که حالا راجع به تمدید دادند بمنزله تغییر قانون اساسی است یا خیر ؟ و آیا تکلیف ماده پنجاه قانون اساسی را چه طور معین میکنند ؟ و بالاخره آیا اصل پنجاه که بهیچ وجه رجوع به فراموشی نشده و مطرح نشده است به عقیده آقایان جزو آن چهار اصل و جزو قانون هادی است یا خیر ؟ این ها يك مسأله ای است که خیلی مهم است . البته آقایان اکثریت بقوت اکثریت خود هر چه بخواهند میتوانند بایک قیام و قعود رأی بدهند و آن رای هم رسمی است . لکن آیا باین مشکلات میتوان بایک رای قانون اساسی را جزو قوانین متعارفی کرد ؟ و آیا بنده و دیگران که قسم خورده ایم حافظ قانون اساسی باشیم تکلیفمان راجع به اصل پنجاه قانون اساسی که باین ترتیب در جزو قوانین هادی میشود چه خواهد بود حالا اگر باز به بنده جواب مرحمت فرمائید اختیار بدست اکثریت است و مختارند .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده از حضرت

اقدس والا شاهزاده سلیمان میرزا استدعا میکنم که از روی حقیقت به عرایض بنده توجه فرمایند و بعد اگر دیدند عرایض بنده بر مبنای علمی است تصدیق فرمایند فرض فرمایند بنده در اکثریت و اقلیت هیچکدام نیستم . بلکه يك مسئله علمی است و صحبت میکنم . حالا آقای شیخ الاسلام

میکنم .

چون آقای مدرس در این باب صحبتی فرمودند می‌خواهند مخالفت کنند کاری ندارم و مسئله وضع قانون چیز دیگری است اگر مقنن از جهت يك حكمی يك قانونی را وضع کرد لازم نیست در هر جا که شما بخواهید متمسک به آن قانون بشوید آن حکم در آن جا مورد داشته باشد. در کتب فقهیه هم میگویند تخصص مورد باعث تخصص حکم نمیشود یعنی اگر در يك مورد مخصوصی يك حكمی وارد شد نمیتوان در هر مورد که بخواهند آن حکم را بیاورند آن حکمت هم در آن جا باشد. این مسئله در قوانین الهی و آسمانی و هم چنین در قوانین بشری هم که از برای ترتیب معیشت و سیاست خودشان قرارداده اند ملاحظه و شاید ملاحظه میشود در دوره اول از جهت يك ملاحظه در بار وضع قانونی شد حالا نباید در دوره دوم و سوم بگویند که حالا چون آن ملاحظات در کار نیست من نباید رعایت آن قانون را بکنیم بلکه تا مقنن قانونی را نسخ نکرده بقوت خودش باقی است اما مسئله نسخ قانون یعنی اگر مقنن قانون را وضع کرد و بعد از جهت ملاحظه آن را فسخ نمود آن قانون مرحوم شده است و مرده و نباید در هر دوره ملاحظه مردگی آنرا بکنند و بگویند چرا مرده است و در هر چیزی متمسک بآن بشوند بنا بر تحقیقاتی که خودشان بیان فرمودند آراء عمومی بانجمن ایالتی آذربایجان اختیار داده که در چهار اصل از قانون اساسی مداخله بکنند و بعد از آن که ملت این حق را داد مداخله در چهار اصل قانون اساسی شد حالا دیگر نمیتوان گفت که ای داد و بی داد من قسم خورده‌ام خوب است آقای شیخ الاسلام توجه فرمایند تمام ماها قسم خورده‌ایم که حافظ قانون اساسی باشیم و امیدوار هستیم بآن قسمی که خورده ایم ثابت و قائم باشیم و خود بخود نمی‌خواهیم قانون اساسی را زیر پا بگذاریم باری بعد از آنکه این حق بانجمن ایالتی آذربایجان داده شد قوت قانون اساسی بودنش از بین رفت انجمن ایالتی آذر بایجان هم موادی معین نمودند و اختیار تغییر آن مواد را بمجلس شورای ملی دادند. و خود شاهزاده سلیمان میرزا در چهار دوره وکیل بوده اند و تمام این چیزها را میدانند.

انجمن ایالتی آذربایجان آن چهار ماده را جزو قوانین هادی قرار داده و قانون هادی را هم مجلس حق نسخ و وضع دارد.

بنا بر این گمان میکنم بعد از این توضیح شبهه آقایان راجع باصل پنجم رفع شده باشد.

آمدیم بر سر اصل پنجاهم اصل پنجاهم عبارت فارسی و ساده نوشته شده و اگر توجه فرمائید رفع شبهه خواهد شد می‌گوید

دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است يك دفعه بیشتر تجدید انتخاب نمیشود تمام فصول این مسئله فائل شده اند که کلامی که ذکر میشود نظر تقدیمی است که در آن کلام میشود یعنی هر کلام که از دهان متکلم خارج میشود باید متوجه تقدیمی شد که متکلم مینماید در اصل پنجاهم هم مقنن نظر به آن قید دارد که در جزء دوم ذکر کرده نه بجزء اول این اصل و مقصودش این است که امر بتجدید انتخابات یکدفعه بیشتر نخواهد شد و جزء اول باعتبار اینکه اصل پنجم از قوت افتاده این هم از قوه و قدرت خود افتاده است پس دیگر شما نمیتوانید متمسک شوید که این مرده زنده شده و دوباره باید قوت بگیرد بواسطه اینکه آن اصل در نتیجه مراجعه بافکار عمومی از بین رفته و مرده و جزء اول اصل پنجاهم در واقع فرمی از همان اصل پنجم است و بمنزله شاخه دم‌تفرعات او بشمار میرود مسلم است وقتی که اصل درخت در اثر مراجعه بافکار عمومی و باختیار ریکه بانجمن ایالتی آذربایجان داده شده و حکمی که انجمن مزبور در این موضوع صادر نموده از بین رفت و معدوم شد این جزء هم که يك شاخه از آن است طبعاً از بین خواهد رفت فقط چیزی که در اصل پنجاهم برای ما سند میشود همان قیدی است که می‌نویسد یکدفعه بیشتر نمیتوان تجدید انتخاب کرد ولی جمله اول از بین رفته و چیزی از او باقی نیست.

اما راجع به آن چیزی که آن شب فرمودند اجازه می‌خواهم جواب عرض که کنم بنده عرض نکردم تمدید مجلس دوره فترت را بکلی از بین ببرم گفتم عقیده‌ام این است از جمله چیزهایی که ممکن است از ایام فترت جلوگیری کرده و تجدیدش را رخصت بدهم یکی این است نه اینکه قویاً بطور قاطع عرض کرده باشم

مقصودم این بود اگر این کار بشود و تمدید صورت بگیرد شاید در نتیجه تمدید مجلس کلام‌های پر نفوذ از تنجاهی کمتر شده و در این مدت سه چهار سال هر مجلس بیشتر با اصلاحات امور موفق شویم اما با آن نظر حضرت والا که میفرمایند در دوره فترت هر کس از ملت چیزی بگوید و از ماله ملت چیزی مصرف نماید باید شخصاً مسئول بوده و از عهده برآید

بنده موافقم و معتقدم که بموجب وضع يك قانون به‌طوریکه فرمودید باید جلوگیری از این مسئله کرد

مسئله دیگر هم آن شب عرض کردم گویا توجه فرمودید قانون اساسی مینویسد اساس مشروطیت تعطیل بردار نیست بعقیده من این مسئله تا بحال دروغ بوده است پس

ما باید کاری بکنیم که در آتیه تعطیل بردار نشود.
رئیس - آقا داخل اصل مطلب شدید.

آقای سید یعقوب - میفرمائید عرض را تمام کنم بسیار خوب تمام شد دیگر مرضی ندارم.

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده خیال می‌کنم این مسئله نه مدرس لازم دارد نه مدرس مسئله نه بر سر تغییر است نه بر سر تغییر هیچ يك اینها نیست فقط مسئله بر سر این است که آیا تمدید با قانون اساسی مخالفت دارد یا نه ..

شیخ الاسلام - بلی مخالفت دارد

مدرس - اشکال بر سر همین اصل پنجاهم است که آنچه مذاکره باید در اطرافش بشود مذاکره شده همانطور که آقای آقا سید یعقوب و جمعی دیگر از آقایان فرمودند ما عقیده‌مان این است که این اصل پنجاهم ربطی بمسائل انتخاب ندارد.

قانون اساسی نسبت بکیفیت انتخاب چهار اصل دارد و این اصل پنجاهم ابداً مربوط بآن چهار اصل نیست.

مثلاً حالا آمدند و آقایان رای دادند که مدت تمدید پنج سال باشد آنوقت این ماده پنجاهم این طور می‌شود در هر دوره انتخابیه که عبارت از پنج سال است فلانطور و فلان طور نخواهد شد و این اصل مسئله انفصال و عدم انفصال را می‌خواهد بررساند و مربوط بمدت نیست.

حالا من نمی‌دانم این اصل پنجاهم ترجمه از زبان دیگری است یا نه ؟ اگر واقعاً ترجمه است خوب است اصلش را ملاحظه فرمائید تا ببینند که هیچ ربطی به مسئله مدت دوره تقنینیه ندارد پس ما در این جا نمی‌خواهیم این ماده را تغییر یا القاء کنیم.

زیرا آن چهار اصل که متعلق بانتهابات و کیفیت انتخابات است همان قسمی که آقایان مکرر فرمودند تفسیر کرده و اصل پنجاهم هم هیچ ربطی به مسئله انتخابات ندارد.

سلیمان میرزا - می‌نویسد هر دوره مجلس.

مدرس - در دوره دوم هم که بنده و شاهزاده سلیمان میرزا هر دو در مجلس بودیم رای داده شد بتمدید و بنده هم داخل موافقین بانمدید بودم فقط هفده نفر مخالفت کردند بعد آقای ناصر الملك صلاح ندانستند حالا این مسئله قیامه دارد یا نه بجای خود بماند بعد فوائد تمدید در کمیسیون مذاکره شود.

عجالتاً ما داخل در مذاکره آن نیستیم ما الان می‌گوئیم تمدید مانعی ندارد و دلیل هم نمی‌خواهد و شما می‌گوئید اصل پنجاهم مانع است ما می‌گوئیم مانع نیست بدلیل اینکه بیانی کیفیات از حیث عدد و سایر چیزها هم سابقاً عمل شده مثل اینکه انتخابات طبقاتی مبدل بانتخاب دوجله و بعد يك درجه شد و عده از ۱۶۲ به ۱۲۰ رسید و از ۱۲۰ نفر به ۱۴۶ مبدل شد با ذکر این مراتب و با تغییراتی که از این حیث‌ها حاصل شده همچو معلوم می‌شود که قانون عادی بودجه و ابداً ربطی به قانون اساسی ندارد و این مسئله سابقاً هم که اینک در دوره دوم که منتم بودم بتمدید هم رای دادیم و عمل هم شد آنروز هیچ این گفتگو ها در بین نبود حالاً هم این حرف‌ها را لازم ندارد.

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - بنده تصور میکنم بعد از رای که داده شد تجدید مذاکره دیگر غلط باشد و اگر بخواهیم مجدداً در این موضوع وارد استدلال شویم از هر حیث مخالف با رای مجلس است

شاهزاده سلیمان میرزا سؤال فرمودند و اشتباهی داشتند که جواب ایشان را آقای آقا سید یعقوب و آقای مدرس فرمودند حالا بنده هم چیزی بجواب آقایان اضافه می‌کنم که شاید حضرت والا را قانع کند ایشان سؤال فرمودند که این رای مجلس چه تأثیری نسبت باصل پنجاهم می‌تواند داشته باشد.

آقای مدرس فرمودند این رای است ابداً ارتباطی با اصل پنجاهم ندارد برای اینکه اصل مزبور برای یک موضوع دیگری وضع شده و مربوط باصل چهل و هشتم و مربوط بانفصال مجلس از طرف شاه است و برای تأیید فرمایش ایشان بنده هم دلیلی دارم که حالا عرض میکنم شاید ضمه‌ترفع شبهه آقای وحید الملك هم بشود چون ایشان شبهه داشتند و فرمودند در دوره انتخابیه که مدت آن دو سال است یکدفعه بیشتر امر به تجدید منتخبین نخواهد شد.

خوب اگر مقصودش انفصال نبود آیا جمله (یکدفعه بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد) مورد داشت.

پس مقصود انفصال است و الا اگر دوره بر سر می‌آمد که دیگر این عبارت معنی نداشت مقصود این این است که در يك دوره دودفعه و سه دفعه تجدید انتخاب نخواهد شد و از نقطه نظر اصل ماقبل و اصل راجع به انفصال اصل پنجاهم نوشته شده و هیچ ارتباطی به مسئله دوره و کالت ندارد و همانطور که آقایان مذاکره کردند ذکر يك مسئله که در يك اصلی مستقلاً شده باشد

و در اصل دیگر هم ذکر شود اساس مسئله نمی شود و برای اثبات این مسئله آقایان اشاره به قوانین الهی کردند ولی بنده در این موضوع به قوانین اروپائی اشاره میکنم و عرض میکنم بموجب آنچه کتاب نشان میدهد ممکن است يك اصلی در يك ماده مجرر شود در ده یا بیست ماده دیگر هم نسبت به آن اصل اشاره شود ولی نه بطور مستقل بلکه در ضمن بنا گذاردن اصل دیگری اشاره به آن اصل می شود و اگر يك موقعی فرضاً آن اصل از بین رفت آن مسئله در تمام مواد از بین می رود آقای وحید الملک میخواستند سابقه پیدا کنند که در مالک خارج که دوره تقنینیه مسلسل است بنده هم میخواهم يك سابقه دیگری بایشان بدهم و عرض کنم که آیا در کدام يك از ممالك خارجه ایام قنوت معمول است؟ البته هر مملکتی يك اقتضاهائی دارد که باید به تناسب وضعیت آن مملکت قانون گذاری کرد ما نباید در قضایا مقلد صرف باشیم در مملکت ما که تاحال این نوع چیزها پیش نیامده ولی در آنجائی که این قبیل مسائل پیش می آید و قوانین نسخ یا ملغی می شود در بای همه مواد آن قانون ذکر و قید میکنند که مثلاً در فلان تاریخ فلان ماده منسوخ یا بلا اثر شد و از بین رفته است حال در مملکت ما به این مراتب عمل نشده و این قیودات در قانون ذکر نشده ما نباید خودمان را دچار زحمت کرده و در موضوع اصل چهارم یا پنجم که مربوط به مدت بود و به تصدیق خود آقایان از بین رفته است اینقدر مذاکره کنیم و دیگر استدلال به اصل پنجم و غیره هم لازم نیست و این رای که مجلس داد تأثیری نسبت به اصل پنجم ندارد زیرا اصل مزبور ابداً مربوط بدوره و حاکمیت نیست.

رئیس - از این مذاکرات گمان نمیکند نتیجه بگیریم ولی چون آقای سلیمان میرزا يك سئوالی کردند لازم است در جواب ایشان عرض کنم که در آئیه معلوم شود این رای برخلاف قانون اساسی بوده است کان لم یکن خواهد بود آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - البته هر قضیه ممکن است يك عده مخالف داشته باشد زیرا در مجلس اتفاق آراء که متردیده شده راجع به این قضیه چند مذهب در اینجا مذاکره شد و بالاخره امشب از جمعیت های مختلف و حتی رفقای خود حضرت اقدس و الاشاهزاده سلیمان میرزا رای دادند . . .

سلیمان میرزا - بنده نه حضرت مستم نه اقدس و الا خواهشمندم فحش بمن ندهید .

حاج شیخ اسدالله - شاهزاده

سلیمان میرزا . . .

سلیمان میرزا - شاهزاده هم نیست .

حاج شیخ اسدالله - سلیمان میرزا غرض این است از طرف دستجات مختلف رای به این مسئله داده شده و اگر بنا باشد آراء مجلس بواسطه مخالفت و عدم میل اشخاص صحیح نباشد گمان نمیکند برای مجلس هیچوقت رسمیت پیدا کند و بنده خیال نمی کنم مخالفت و بالاخره عدم میل اشخاص بتواند تغییری در رای مجلس حاصل کند زیرا همانطور که شما عقیده دارید دیگران هم عقایدی دارند و اگر شما قسم خورده اید دیگران هم سو کنند یاد کرده اند و بالاخره يك جمعی عقیده شان آن بود که اظهار کردند شما هم عقیده خود را اظهار

کردند فرمودید و بالاخره مجلس رای داد اگر حالاً بنا باشد مذاکرات را ادامه بدهیم چندین جلسه وقت لازم است

شیخ الاسلام اصفهانی - قانون

اساسی است مهم است

حاج شیخ اسدالله - بنده هم می

دانم موضوع قانون اساسی است اگر شما قانون اساسی را می فهمید من هم می فهمم و اگر شما نمی فهمید بنده هم نمی فهمم قانون اساسی را تنها به خودتان نسبت ندهید زیرا من هم ممکن است بفهمم

در هر حال قانون اساسی بجای خود صحیح است ولی مطابق اختیاراتی که به انجمن ایالتی آذربایجان داده شده بود انجمن مزبور حق پیدا کرد که این اصول قانون اساسی را الغاء کند و بجای آن يك قانون عادی وضع کند و اکثریت مجلس اینطور فهمید و آن قانون را تغییر داد شما هم بنا بر عقیده شخصی خودتان عقیده اکثریت را نمی توانید تغییر بدهید

شیخ الاسلام - رای اکثریت هم

قانون اساسی را نمیتواند تغییر بدهد

رئیس - (خطاب به آقای حاج شیخ

اسدالله) آقا شما بطور تعرض می فرمائید ولی

دیگران بطور تعرض حرف نزدند (خطاب به

سلیمان میرزا) این مسئله ختم شد اگر

اظهار دیگری دارید بفرمائید

سلیمان میرزا - اگر اجازه بفرمائید

عرض می کنم همانطور که فرمودید بنده

هیچ نوع تعرضی نسبت با اکثریت نداشتم

فقط سئوالی از مقام محترم ریاست کردم

البته اکثریت هم که رای می دهد مشغول

رای خودش خواهد بود و همانطور که

عقیده آقایان ثابت است عقیده شخص بنده

هم آزاد و ثابت است و این مسئله منوط به عقیده

است مثلاً همان طور که بنده از الفاظ

حضرت اقدس و والا بدم می آید اهاضاس

دیگری هستند که شاید خوششان بیاید

در هر حال بنده تقاضائی که داشتم همین بود که بدانم اگر در آئیه معلوم شود این رای مجلس برخلاف قانون اساسی است از درجه اعتبار ساقط است یا خیر؟ زیرا خود این رای از طرف اکثریت خواه باتفاق داده شده باشد در هر حال مجلس حق ندارد قانون اساسی را به هیچ وجه تغییر بدهد و تعرض و تغییر و بالاخره انکاء باین که هر کس فارسی میداند چیز می فهمد دلیل منطق نمی شود و اگر آقایان آن تقاضائی که بنده کردم قبول می فرمودند رفع تمام این اعتراضات و این گفتگوها می شده اما اینکه آقایان می فرمایند انجمن ایالتی آذربایجان حق تغییر این مواد داده شده است بنده مخالفم و مدعی هستم که اگر صورت مذاکرات انجمن آذربایجان را بیاورند ملاحظه خواهید فرمود که انجمن مزبور کیفیت انتخاب را تغییر داد نه مدت را باینطور که از مرکز می خواستند عده نمایندگان را کم کنند او هم قبول کرد و عده و کلاه را از یکصد و شصت و دو نفر به صد و بیست رسانید و شصت نفر طهران را بیازده نفر تغییر داد

فرض این است که انجمن مزبور این کیفیات را تغییر داده و ابداً راجع به مدت دو سال حرفی نزده است چنانچه در دوره اول هم همین قانون اساسی بود و مدت هم همان دو سال بود و هیچ اسم قانون عادی در کار نبود در دوره دوم و سوم هم همین دو سال بود حالا در این دوره چهارم تازه این

این صحبت هامی شود و فرضاً در آن اوقات هم اگر همچو رای داده می شد بنظر بنده باز غلط بود و چنانچه مجلس چهارم هم اگر رای بدهد دوره پنجم ممکن است بگویند آن رای غلط بوده است ولی بنده برای فهم قضیه عرض میکنم به خوبی ممکن است معلوم کرد که انجمن آذربایجان چه اقدامی در این موضوع نموده است یا بالعجب مگر تلکرافات در تلکرافخانه نیست مگر در دوائر دولتی این مطالب وجود ندارد

چرا کمسیون و مجلس این اسناد را نمی خواهند تا کاملاً مسئله مفهوم و آشکار شود چرا مجلس ادله و سابقه این امور را کنار گذاشته و آقایان متصل می گویند

بعقیده من اینطور یا آنطور است

آقایان می فرمایند رای شان موافق با

قانون اساسی است ولی بنده تکراراً

عرض میکنم که انجمن آذربایجان کیفیت

انتخاب را تغییر داده و ابداً ذکر از مدت

نکرده است

حالا که صحبت از قانون الهی می شود

بنده عرض می کنم اگر در قرآن يك آیه

را نسخ کنند دیگر جزء قرآن نخواهد

بود؟ الان خفف الله عنکم و علم ان فی

کم ضمعا که آیه قبلش را نسخ کرده اند

آیا حالا جزء قرآن است یا جزء احادیث و اخبار؟ بنده بهمان دلیل عرض میکنم وقتی هم که فرضاً يك ماده قانون اساسی را اصلاح و ترمیم میکنیم باز جزء قانون اساسی خواهد بود نه قانون عادی خوب است آقایان جواب بنده را بفرمایند . . .

آقای میرزا ابراهیم قهی - بلی از اثر می افتد

سلیمان میرزا - بنده آیه دوم را

عرض کردم یعنی آیه الان خفف الله عنکم

و علم ان فی کم ضمعا حالا جزء قرآن هست

یا نه؟

آیه اول را نگفتم در هر حال عقیده

اکثریت هر چه هست برای خودش مقدس

است و رای بنده هم در نزد خود مقدس است

و بعد تصدیق این قضایا و قضیه با روزگار

است و آیه و بعدها معلوم خواهد شد که در

این رای کی بخطا رفته است ولی حالا با

تمام تعرضی که آقای حاج شیخ اسدالله

میفرمایند عرض میکنم که ماده پنجم را بطوری

که آقای مدرس فرمودند نمی توانیم اصلاح

کنیم زیرا جزء رفتارند نبوده است

حالا اگر آقایان موافقتین نمیدید

بخواهند دوره انتخاب را از دو سال به بیست

سال هم فرضاً رای بدهند معتارند ولی

اساساً گمان نمیکند باین وسیله حق پیدا

کنند قانون اساسی را تغییر دهند

بنده مطابق تقاضائی که از مقام محترم

ریاست مجلس کردم عقیده دارم تمام مذاکراتی

که در موضوع قانون انتخابات و رفتارند و

مراجعه با افکار عمومی بعمل آمده است توسط

تلکرافخانه خواسته شود و مطابق آنچه که

در آن استنباط می شود عمل کنیم و الا

آن مذاکرات را در تلکرافخانه باقی

گذارند و اینجا این صحبتها را کردن این

طریقه را بنده نمی پسندم

رئیس - آقای ملک الشیراز

(اجازه)

ملک الشیراز - راجع باین سئوال

شاهزاده سلیمان میرزا بنده بطور خلاصه

عرض میکنم که طرفداران تمهید تا حدی

که ممکن بود سعی نمودند و این اسنادی را

که ایشان می فرمایند هست بدست نیاورده اند

و شاید هم اصلاً وجود نداشته باشد

به علاوه ما که همیشه می خواهیم قانون

وضع کنیم سند ما همان قوانین موضوعه و

مدونه است و تکیه طرفداران تمهید در

قضیه مراجعه با افکار عمومی و رفتارند بآن

مقدمه ای است که قبل از قانون انتخابات

چاپ و نوشته شده است و مکرر هم در پشت

تربوین خوانده و در جرائد هم نوشته شده

است

سند ما همان مقدمه قانون است که

خودش حالت قانون را دارد و در این

موضوع رفتارند هم سند ما همان مقدمه

دوازده سطر است نه تلگرافی که حضرت والامدی هستند وجود دارد.

البته اگر شما بتوانید راجع بقضایائی که فرموده اسنادی تحصیل فرمائید و مدلل فرمائید که اختیارات انجمن آذربایجان فقط راجع بکیفیت انتخابات بوده است. البته ممکن است مجلس رای خود را بر-گرداند. و این اسناد را شما مکلف هستید زحمت کشیده بیاورید و در معرض افکار عمومی بگذارید و اگر چنین چیزی باشد البته حق با شماست و در نتیجه رای مجلس مقیم خواهد ماند ولی ما که طرفداران تمدید هستیم چنان اسنادی را بدست نیاوردیم و سند ما همان مقدمه است که بعد از آن رفتارند و مراجعه بافکار عمومی نوشته شده است و در آن مقدمه قانون که چاپ شده و منتشر هم شده است صریحاً می نویسد چهار اصل از قانون اساسی تغییر کرده و در آتی هم اگر اصلاحاتی باید در این تغییر داده شود از طرف مجلس باید بشود و حق آن بامجلس است چنانچه مجلس هم بطوری که عرض شد آن قانون و نظامنامه را تغییر داد پس با ذکر این مقدمات هم امشب می توانیم آن را تغییر بدهیم و باز هم تکراراً عرض میکنم که شما اسنادی قابل توجه تر از این مقدمه قانون که طرف توجه و دلیل ما است در دست بیاورید ممکن است عرض بدارید البته در صورتی که قاطع باشد موثر خواهد بود.

رئیس - جلسه آینده شب جمعه پانزدهم نور و دستور آن شور در مسئله قالی جوهری خواهد بود

وزیر عدلیه - نظر باینکه بودجه وزارت عدلیه مدتی است از کمیسیون بودجه گذشته است ممکن است استدعا کنیم جز دستور جلسه آتی گذارد شود؟

رئیس - چون مسئله قالی جوهری مدتی است جزء دستور است و علاوه آقایان هم مایلند جزء دستور باشد بودجه وزارت عدلیه را برای جلسه دیگری گذاریم

کفیل وزارت مالیه - اگر چه از موعدی که وعده داده شده بود چند روزی تاخیر شده است ولی خوشبختانه اینک بودجه کل عایدات را تقدیم مجلس شورای ملی می نمایم و افتخار میکنم باینکه بعد از شانزده سال که همیشه از بودجه مملکتی حرف زده می شد و هیچ دولتی هم موفق به ترتیب و تنظیم آن تا کنون نشده بود در دوره حکایت و زمامداری آقای مشیرالدوله تقدیم مجلس چهارم میشود. حالا چیزیکه تقدیم میشود خلاصه بودجه کل عایدات مملکتی است ولی صورت جزء تمام آن که تقریباً سی جلد است در اطاق آقای رئیس است در اختیار آقایان نمایندگان گذارده شده است و میتوانند بآن رجوع فرمایند. در اینوقت در موقع

استفاده نموده و از آقایان نمایندگان محترم استدعا می کنم نسبت بلوایی که از طرف وزارت مالیه تقدیم شده عطف توجهی به فرمایند مخصوصاً لایحه میزری که لازم است هر چه زودتر از مجلس بگذرد و بموقع اجرا گذارده شود که برای تنظیم بودجه کمک بزرگی خواهد بود

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده در موضوع آن لایحه پنج ماده که راجع به مستمریات بوده چون باید زودتر بموقع عمل گذارده شود خواستم استدعا کنم اگر موقع باشد آنهم جزء دستور گذارده شود

رئیس - اگر مسئله قالی اجازه دار اول بودجه وزارت عدلیه مطرح خواهد شد بعد لایحه را که تقاضا می فرمائید جزء دستور گذارده می شود

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - چون آقای کفیل وزارت مالیه تاحکیدی راجع بقانون میزری فرمودند و در باره جراند هم دیده شده لازم است عرض کنم که کمیسیون قوانین مالیه مشغول مطالعات عمیق در اطراف قانون میزری شده است و چون به مشکلاتی برخورد کرده است لذا چند نفر از نمایندگان مالیه را اطلاع داده و در جلسات عدیده با آنها مذاکرات نموده است و در خاتمه برای مزید استحضار خاطر آقای وزیر محترم مالیه عرض می کنم چون این قوانین مهم برای مملکت نوشته می شود لذا لازم است کمیسیون و مجلس شورای ملی دقت کامل بعمل بیاورد که خدای ناکرده مثل قانون نمک نشود که مدتی هم مجلس صرف گذراندن آن شده و بالاخره هم نسخ شد و باینکه کمیسیون کارهای معوقه دیگر هم داشت معذلت این را سبقت داده و جلو تر انداخته است

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده همین مطلبی که آقای سهام السلطان اظهار داشتند می خواستم عرض کنم

رئیس - مطلب دیگری نیست؟ (اظهاری نشد)

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

موتن الملك

(جلسه نود و ششم)

صورتك مشروح مجلس لایله جمعه هفتم رمضان ۱۳۴۰ مطابق پانزدهم نور ۱۳۰۱

مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته بریاست آقای موتن الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس لایله چهارشنبه ۱۳ نور ۱۳۰۱ قرائت شد)
رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - معلوم می شود اعتراضی نیست صورت مجلس تصویب شد دستور امشب مسئله قالی های جوهری است آقایانی که قبلاً اجازه خواسته اند اسامی آنها مضبوط است و هر کس از آقایان هم فعلاً اجازه بخواهد بعد از آن اسامی اسمش ثبت می شود ولی قبلاً یکی دو مطلب است حتماً باید بعرض آقایان برسد و يك فقره لایحه است که از طرف دولت رسیده است راجع بتقاضای صد و چهل هزار تومان اعتبار برای خرید چهارده هزار قلم مستمریات از يك تومان الی ده تومان به کمیسیون بودجه مراجعه می شود و دیگر دو فقره راپورت از کمیسیون عرایض رسیده است یکی راجع با آقای محمد هاشم میرزا که تقاضای دوماده مرخصی کرده اند و کمیسیون هم تصویب کرده است باید رای گرفته شود در این باب مخالفی هست یا نه؟ (مخالفی نشد)

رئیس - آقایانی که مرخصی دو ماهه ایشان را تصویب می کنند قیام نمایند؟ (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد يك فقره دیگر تقاضای مرخصی چهل روز از طرف آقای حائری زاده است که کمیسیون تصویب کرده در این خصوص ایرادی هست یا نه؟ (اظهاری نشد)

رئیس - معلوم می شود ایرادی نیست رای می گیریم آقایانی که مرخصی چهل روز ایشان را تصویب می کنند قیام نمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راجع بمسئله قالی از طرف کمیسیون راپورتی پیشنهاد شده است تکلیف آنرا آقایان باید معین کنند که در آن يك شور باید بشود یا دوشود

محمد هاشم میرزا - يك شور باید بشود چون قبلاً يك شور شده است رئیس - چون رسماً یک کمیسیون مراجعه نشده است این بود که سؤال شد رسماً مراجعه شده بود لازم بسؤال نبود حالا باید تکلیفی معین شود آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - بنده عقیده ام این است که باید دو شور بشود زیرا در دوره دوم مجلس در جلسه سیزدهم صفر يك رای در این موضوع داده است و در حقیقت راجع بقالی يك قانونی از مجلس

شورای ملی و دوره دوم گذشته است و اگر بنا بشود ما يك تجدید نظری در آن رای بکنیم و آنرا تصویب یا طرح و تعدیل بکنیم باید مثل يك لایحه متعارفی که به مجلس می آید در آن دوشور بشود پس از دو شور يك صورت قانونی پیدا میکند رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - ما خاطر نداریم در سیزدهم صفر که می فرمائید در این موضوع رای داده شده باشد آرائی که در مجلس دوره دوم داده شده است در کتاب دوره دوم تقنینیه هست و بنده این مسئله را در آنجا ندیده ام اگر چنین خبری هست خوبست بفرمائید که بنده ملتفت شوم بلی از مجلس دوم در موقع وزارت مرحوم ضیاع الدوله راجع باین موضوع مذاکراتی شد و تلگرافات خراسان هست که بنده هم با مرحوم کاخف مذاکرات زیاد کردیم ولی رای داده نشد اگر رای قانونی در این باب داده شده خوبست بفرمائید یا بخواهند تا بنده هم با دو شور موافق بشوم والا تا بنده قانع نشوم عقیده ام براین است که يك شور کافی باشد بیشتر از این وقت مجلس را تضییع نکنیم چون کارهای مهمتر از این در پیش است از قبیل بودجه و غیره که اهمیتش بیش است رئیس - رای می گیریم چون موافق نظامنامه دو شور مقدم است اول بدوشور رای می گیریم آقایانی که موافقند دوشور بشود قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد معلوم می شود باید يك شور بشود

وحید الملك - می خواستم ببینم که حالا در چه چیز مذاکره می کنم در راپورت کمیسیون یا در تلگرافی که از ولایات رسیده است و اگر در راپورت کمیسیون مذاکره می شود باید در آن دوشور بشود حالا که آقایان رای داده اند يك شور بشود پس خوبست در تلگرافی که رسیده است مذاکره شود

رئیس - لازم نیست در تلگرافات مذاکره کنیم و کمیسیون يك پیشنهادی کرده است و آقایانی که مخالف هستند به آن رای نمی دهند و آقایانی که موافقت رای می دهند پیشنهاد کمیسیون قرائت می شود

(آقای نظام الدوله راپورت کمیسیون را بشرح زیر قرائت نمودند)

ماده اول برای ترویج قالی های ثابت که تدریجاً رو باز دیاد گذارد کمیسیون معتقد است صدی شش عنوان حقوق معافیت از قالی های جوهری مأخوذ بشود مشروطاً باینکه تمام مبلغ برای تهیه رنگ های ثابت و ترتیب رنگ

سازهای فنی که فنی بیک مدرسه مختصری قناعت شده و ایجاد شعب آن در مراکز ایالات و نقاط مهمه که قالی بافی هست بمصرف برسد

ماده دوم - برای اینکه قالی های جوهری از قالی های ثابت در بازار های خارجه کاملاً مشخص و برای مشتری ها متمایز باشد

کمیسیون لازم می داند اداره گمرک مهر با نشان مخصوصی بعنوان (قالی جوهری ایران - قالی ثابت ایران) تهیه نماید که کلیه قالی های ایران با آن علامت معروف شوند

ماده سوم - کلیه قالی هائی که با جوهر و رنگ ثابت مخلوط بافته می شود در عداد قالی های جوهری محسوب و باید صدی شش وجه معافیت را بپردازد

ماده چهارم - چون بیشتر شکایات تاجر راجع ببدرفتاری و بهانه جوئی مأمورین گمرک است باید از طرف دولت در این باب نظامنامه مخصوصی تدوین شود که از سوء رفتار مأمورین گمرک جلوگیری و بین تاجر کوچک و عمده تبعیض نشود و نیز تشخیص قالی های جوهری از قالی های ثابت عموماً از وظایف خاص مأمورین گمرکی باشد تا بدون مطالبه عریضه اظهاریه و بهانه جوئی و اخذ جریمه بعمل آید

رئیس - در جلسه چهارم باین ترتیب نمی توان رأی گرفت باید مجدداً بکمیسیون برگردد و در آنجا عبارتش را تغییر دهند و مذاکرات در کلیات است آقای امین - الشریعه

(اجازه)

امین الشریعه - بنده موافقم

رئیس آقای رئیس التاجر

(اجازه)

(حاضر نه بودند)

رئیس آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده بارابورت

کمیسیون موافقم

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن چطور؟

آقای میرزا سید حسن - بنده

مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقای میرزا سید حسن - صنعت قالی در مملکت يك صنعتی است که مردم خودشان بخودی خود زحمات زیادی در این باب کشیده اند و از طرف دولت تابعال هیچ تشویقی نسبت بآنها نشده است و حالا در عوض اینکه آنها را تشویق و ترغیب بکنند يك حقوقی که سبب نکث تجارت است بر آن تعمیل می کنند در صورتی که بنده اطلاع دارم که الان فریب ده هزار نفر در کاشان بواسطه رواج نبودن

همین صنعت سربى شام زمین می گذارند اگر کسب شان رواج داشت این اندازه دچار فقر و فاقه نمی شدند البته کسی که قالی می بافت میداند جوهری آن در چه نقطه و ثابت آن در چه نقطه خریدار دارد آنها که نمی خواهند مال التجاره خودشان را عمداً صنایع بکنند بنده این ایرادات و سخت گیریها را نسبت بصادرات مملکت بهیچ وجه صلاح نمی دانم و با آن بهیچ وجه من الوجوه موافق نیستم

رئیس آقای امین الشریعه

(اجازه)

امین الشریعه - بر حسب چون تلگرافی که خود تاجر کرده و تقاضا نموده اند مجلس در این مذاکره وارد شده پس البته باید تقاضای تاجر را در نظر گرفت خود تاجر باین ترتیب که کمیسیون پیشنهاد کرده است یعنی با صدشش موافقت دارند و چون يك صرفه هم برای دولت دارد لهذا بنده موافقم و خواهشمندم مجلس هم موافقت کند

رئیس - آقای کازرونی مخالفند؟

آقای میرزا علی کازرونی - بلی

مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقای میرزا علی کازرونی - نظر

با اینکه منتقل یا حاکم يك قضیه قبل از اینکه در امری فتوی بدهد باید در اطراف آن امر و قضیه کاملاً مذاقه و نظر کند و با دقت تمام مصالح و مضار آنرا ملاحظه کرده باشد باین جهت بنده هم لازم میدانم قبل از اینکه در این موضوع مذاکره بکنم از مخبر محترم کمیسیون سئوالاتی بکنم که سبب مزید بصیرت بشود و خواهش می کنم سئوالات بنده را يك یادداشت کنند و بعد جواب بدهند اولاً سئوال می کنم که چند سال است قالی جوهری معمول شده تا آنقدر این مدت که قالی جوهری معمول شده و بخارجه حمل می شود سالی چه مقدار قالی جوهری بخارجه حمل شده است ثالثاً قالیهای رنگ ثابت در این مدت نسبت به سالهای که قالی جوهری معمول نبوده بیشتر حمل بخارج شده است یا کمتر یا مساوی ثابت خامساً تجارت قالی بطور کلی پس از ابداع قالی رنگ جوهری بالنسبه بقبل بیشتر شده است یا کمتر؟ سادساً قالیهای جوهری برای چه نقاط حمل می شود و قالیهای ثابت برای چه معال و آیا می دانند تفاوت قیمت آنها چه قدر است و آیا هیچ ملتفت شده اند که قالی های رنگ جوهری نسبت بقالیهای رنگ ثابت بطوری که در لایحه نوشته شده دریافت و مخارج آن تفاوتی نیست و در اینصورت سبب چیست که قالی بافها با رنگ ثابت قالی نمی بافند و با رنگ جوهری قالی می بافند؟ هفتم در خارجه کسانی که این قالیهای جوهری را می خرند آیا می دانند این قالی

ها جوهری است و می خرند یا اینکه جاهلند و نمی دانند و در این مدت متعادی هم نفهمیدند هشتم اگر قالی جوهری ممنوع شود یا اینکه محظوری و لوهر اندازه هم باشد برای این صنعت پیش بیاید آیا به تجارت قالی وارد نمي آید و بتجارت تعمیل نمی شود

نهم تعمیل بقالی جوهری بهر عنوان که باشد آیا ضرر تجارت است یا ضرر تاجر یا ضرر قالی باف و بالاخره شکایت تاجر از این است که بتجارت ضرر وارد می آید یا بنفع خود ایشان دهم بر حسب تجربه که تعمیل کرده اند آیا مداخله دولت در امور اقتصادی و تجارسی و بالاخره در امر قالی گمان می کنند مفید باشد یا مضر

یازدهم - در این چند سال که يك اداره برای ترویج و ترقی و تسهیل رنگ ثابت در طهران تاسیس شده است و البته در سال ماضی هم خرج آن اداره می شود آیا تا کنون از آن اداره نتیجه گرفته شده است یا خیر خواهش مندم جواب این سئوالات را بفرمائید

رئیس - خوب بود قبلاً این سئوالات را می نوشتی و یا ایشان میدادید که مطالعه میکردند

مستشار السلطنه مخبر کمیسیون فوائد عامه - بنده منتظر بودم که معترض محترم در ضمن سئوالات یازده گانه سئوال دیگری هم می فرمودند که آیا مخبر می دانند روی قالی چه میل می فرمایند یا خیر در هر صورت همانطور که آقای کازرونی منتظرند جواب سئوالات ایشان را عرض کنم خود بنده هم معتقدم که آقایان نمایندگان از اطراف این مسئله مطلع شوند و رأی که داده می شود روی بصیرت کامل باشد بهمین جهت خود بنده در ابتدا پیشنهاد کردم که این مسئله بکمیسیون فوائد عامه مراجعه شود تا در اینجا مذاقه کامل بعمل بیاید و برای رای دادن دست و فکر آقایان نمایندگان کاملاً باز و آزاد باشد بهر حال اول سئوال آقای کازرونی این بسود که چه مقدار قالی جوهری بخارجه حمل می شود

آقای میرزا علی کازرونی - خیر سئوال اول بنده این بود که قالی جوهری از چه وقت در ایران معمول شده است؟

مخبر - قالی جوهری از وقتیکه جوهر وارد ایران شده است معمول شده است و قبل از ورود جوهر بایران معمول نبوده است و این جوهر متاهی است که چنانچه آقایان هم مسبقاً برای ورود آن دولت جلوگیری کرده و می کنند و تقریباً پنجاه سال میشود که قالیهای ایران مخلوط و مزوج با جوهر است و برای این است که چون رنگ جوهر شفاف و

براق تر است و تاجر برای اینکه مال التجاره خود را مشتری پسند بکنند قالی را با جوهر رنگ می کنند و آنچه بنده تخاین کرده ام تقریباً پنجاه سال پیش نیست که قالیهای جوهری معمول شده است و در این مدت تقریباً کار قالی بافی جوهری بجائی رسیده است که با قالیهای ثابت يك نسبت بافته میشود تقریباً صد پنجاه ثابت و صد پنجاه جوهری بافته می شود سئوال دومی که فرمودند گویا این بود که از حمل و صدور قالی جوهری جلوگیری می شود

آقای میرزا علی کازرونی خبر عرض کردم از روزی که قالی جوهری معمول شده است سالی چه مقدار قالی جوهری بخارجه حمل میشود

مخبر - برای تعیین مقدار و صدور قالی بخارجه باید قبل از جنگ را نسبت گرفت چه در موقع جنگ و بعد از جنگ است استنباط صحیحی را نمی توان میزان گرفت میزان خروج قالیهای جوهری بخارجه قبل از جنگ تقریباً صد بیست و نه بوده است و تقریباً از سنه ۱۳۳۳ که دولت بواسطه اینکه نفهمید تجارت قالیهای جوهری در بازارهای دنیا مردود شده تصمیم گرفت که از این کار معافیت کند و در آن موقع یعنی در درگاه آقا مستوفی المالک يك عوارض تصویب شد که جزو این رابورت و از نظر آقایان گذشته است و قرار گذاردند که صد شش از قالیهای جوهری که خارج میشود دولت دریافت دارد بهر جهت قبل از جنگ تقریباً صد و هفتاد و يك قالیهای ثبت بوده و صد و بیست و نه قالیهای جوهری و پس از تعیین و اخذ آن عوارض موافق حسابی که کرده اند صد بیست و دو خروج قالیهای جوهری بوده و صد و هشتاد و هشت خروج قالی ثابت و صد و هشت تفاوت کرده است همین قضیه در کمیسیون مطرح و معلوم شد که ممکن است بواسطه همین عوارض کم کم يك متاع نفیس ایران که بواسطه جوهر در بازار های اروپا مردودیت پیدا کرد و به حال اول عودت کند بر صادرات قالی بیفزاید

گمان میکنم این دو سئوال حضرتعالی یکی جواب داشت که عرض کردم اما اینکه فرمودند تجارت قالی ترقی کرده است یا خیر عرض می کنم مایک قدم های ابتدائی برداشته ایم و این قدمها شاید بعد از يك مدت متعادی نتیجه متصوره و اطمینان بخش بدهد معذراً با این که در این هفت سال جنگ هم بوده شما نمی توانید محسوساً این منافع را معتقد نباشید سئوال دیگر حضرتعالی این بود که آیا مشتری قالی های رنگ ثابت کیست ؟ و مشتری قالی های رنگ جوهری کی؟ بنده در آن جلسه که اظهار عقیده می کردم جواب این سئوال حضرتعالی را عرض کردم حالا هم تکرار می کنم البته آقایان مسبقاً هستند قالی های ایران سه قسم است یکی قالی های رنگ ثابت است که هیچ جوهر ندارد یکی قالی های مخلوط با رنگ ثابت و جوهر است و يك هم قالی های جوهری است که تماماً

های ثابت رنگ فقط است مشتری آن ها اشخاص بصیر و عاقل می باشند و اشخاصی بهرید اشياء کهنه و چیزهای قیمتی علاقه مند هستند و سبب عمده ترقی قالی های ایران هم در خارجه بواسطه رنگهای ثابت و طبیعی آورده است و مشتری این قسم قالی ها یعنی قالیهای ثابت رنگ بیشتر از سایر قالی ها است تجارت عمده این قالی ها در اسلامبول و آمریکا است و مخصوصاً در امریکا قالی را که می خرند اول مشتسو می کنند برای اینکه اطمینان کامل حاصل کنند که رنگ جوهری مخلوط نداشته باشد و بیشتر قالی های ثابت رنگ ایران را امریکائی ها می خرند اما قالی های جوهری در سه نقطه خرید و فروش می شود که یکی از آن نقاط مهم است و آن دو نقطه دیگرش چندان اهمیت ندارد آنجائی که خیلی مهم است و قالی های جوهری بیش از همه جا خرید و فروش می شود بازار روسیه است که از بادکوبه شروع کرده تا اقصی بلاد صبری و از این طرف تا قفقاز و بطر و گراد و مسکو طالب قالی های ماه هستند و در رنگ ثابت و جوهری چندان فرق نمی دهند همین قدر که هر کدام ارزان تر باشد آنرا طالب هستند باین حال اگر دو قالی باشد که یکی ثابت رنگ و ده تومان قیمت آن باشد و یکی رنگ جوهری و هشت تومان قیمت داشته باشد آن قالی رنگ ثابت را ترجیح می دهند ولی رویهم رفته در روسیه آنقدر ما برنگ ثابت اهمیت نمی دهند و همچنین در طرف ممالک عثمانی و بین النهرین و هندوستان که در آن نقاط هم چندان بین قالی های ثابت و جوهری تفاوت نمی گذارند همین قدر خوش ظاهر و شفاف باشد بیشتر طالب هستند سؤال هفتم آقا این بود که آیا مشتری هائی دارند این قالی هائی را که می خرند جوهریست یا نه البته اشخاصی که از اروپا بایران می آیند برای خرید قالی و همچنین اشخاصی که علاقه مند به خرید قالی هستند خیلی دقیق هستند قالی هائی را که می خرند ثابت رنگ باشد بعلاوه مشتری هم تا مطمئن نباشد که فرش ثابت رنگ است بقیمت گزاف نمی خرد قالی هست از ذری یا نروده تومان تا ذری ۲۵۰ تومان وقتی که یک مشتری یا نصد تومان می دهد و یک قالی دو ذری را می خرد البته آن شخص تا کاملاً مطمئن نباشد که فرشی که می خرد ثابت رنگست این کار را نمی کند همچنین قالیهای جوهری را آن هائی که می خرند البته می دانند و از روی بصیرت می خرند نه این که ندانسته بعضی قالی رنگ ثابت بخرند و انصاف هم نیست که بگوئیم آنها سر در نمی آورند و البته مقصود آقا هم از این سؤال این بوده است که آیا جانی هم هست که قالی های رنگ ثابت را بر قالی های جوهری ترجیح بدهند که از این جلوگیری تجارت قالی بر زمین نخورد؟ بله در بعضی جاها این هست و مخصوصاً یک قسمت از اظهار اطلاعاتی که آقای ارباب کبیسر فرمودند و از تجارت خانه های عمده در خارجه تحقیق

کرده اند ایشان می گویند که آنها گفته اند ایران در عمل قالی وقت نمی کند و قالی های جوهری سبب مردودیت قالی ایران شده است قالی باین خوبی و لطیفی که می باشد و همه علاقه بخیریدن قالی ایران هستند با سبب قالی ثابت می خرند پس از خریدن می برند و شست و شو می کنند معلوم می شود که جوهریست آنوقت دیگر از خریدن قالی منصرف می شوند هم تجارت فروخته قالی متضرر می شوند و هم این مسئله سبب ننگس تجارت میشود سؤال هشتم آقا این بود که اگر قالی جوهری ممنوع شود تجارت چه می شود؟

آقا میرزا علی کازرونی -
خیر سؤال بنده این بود که اگر قالیهای جوهری ممنوع یا محدود شود آیا نکت بر تجارت وارد نمی آید؟

مخبر - عرض کنم اگر قالیهای جوهری ممنوع شود در مرحله اول جزئی تفاوتی می کند ولی باید نتیجه را ملاحظه کرد پس از آنکه قالی های جوهری ممنوع شد یک تجارت منحصر بفرد ایران در بازارهای اروپا که حالا قدری مردودیت پیدا کرده کم کم بواسطه همین مسئله دورنگ جوهر استعمال نمی شود و بارنگ های ثابت بافته می شود بعال اول باز کشته و رونق اولیه را پیدا خواهد نمود و قالیهای ایران بهتر فروش می رسد سؤال نهم حضرت عالی ایشان می پرسد سئوال نهم که می شود ضرر بر تجارت است یا دولت با قالیای؟

آقا میرزا علی کازرونی -
عرض کردم این تعمیلی که می شود ضرر بر تجارت است یا بر تجارت یا بر قالی با آنها .

مخبر - تصور می کنم این تعمیل بر هر سه وارد شود چون هر سه در این متاع شریک هستند و اگر قالی جوهری مردود بشود هم تاجر و هم دولت و بالاخره هم بافنده متضرر می شوند این سؤال جوابش همراهش بود البته همانطور که عرض کردم از تعمیل بقالی های جوهری اگر ضرری متوجه اشخاص بشود ولی بالنتیجه برای مملکت منفعت دارد و میتوان گفت این تعمیل بیشتر نسبت بآن اشخاص درجه سوم است که قالی را می بافند بجهت اینکه وقتی قالی جوهری شد تاجر ارزان تر می خرد و بالاخره آن کسی که آن را می خرد آنهم ارزان تر می خرد ولی وقتی قالی ثابت شد و خریدار هم مطمئن شد که رنگ آن ثابت است بقیمت بهتری می خرد و منفعتش به هم می رسد یعنی هم دولت و هم تاجر هم بافنده هر سه منتفع می شوند و بالاخره فرمودند که شکایت تجار برای خودشان است یا برای تجارت البته تجار قالی فروش داریم که در این قضیه شریک

هستند ولی تجاری هم که شغلشان قالی فروشی نیست از نقطه نظر تجارت باین قضیه علاقه مند هستند و دولت باید مسئله عموم را در نظر بگیرد و ببیند برای مملکت و حال تجارت و تاجر کدام یک اصلح است و بنده تصور می کنم که تاجر ایرانی همان اندازه هم بتجارت مملکت خودشان علاقه مند هستند و نمی خواهند ممالک التجاره قالی در ممالک خارجه مردود بشود بلکه طالب این هستند که در بازار های اروپا خوب بفروش برسد مثلاً یاز دهم این است که دخالت دولت در امر قالی صلاح است یا نه ؟

بنده عرض می کنم البته صلاح است زیرا دولت در هر امری دخالت میکند پس در یک چنین امری که وظایف اولیه اوست بنده گمان نمی کنم دخالت او مضر باشد . سابقاً در مسئله ارزاق معروف بود که می گفتند هر وقت دولت مداخله کند فحطی می شود آیا حالا که دولت مداخله کرده است فحطی شده است ؟ خیر . پس در قضیه مال التجاره و رفع نواقص آن و فراهم آوردن راه خوبی از برای آن دخالت دولت بسیار خوب است و البته مفید است گذشته از این در اروپا برای ترویج امتعه خودشان مبالغی دولت از خزانه خودش می دهد برای آنکه نواقص رفع شود و آن متاع کاملتر بشود و در بازار های ممالک خارجه رواج پیدا کند پس البته مداخله دولت مفید است و اگر از اول دولت در این کار مداخله می کرد اصلاً جوهر استعمال نمی شد و تمام قالی های ما دارای رنگ ثابت می شد آقای ارباب کبیسر و مسبوق هستند قالی هائی است که قیمت آنها از حوصله ما خارج است قالی پنج ذرع در ۵ ذرع یا ۵ ذرع در ۲۵ ذرع یا ۲۵ ذرع مربع بیشتر نیست بقیمت پنجاه هزار لیره فروش می رود این برای چیست برای اینکه رنگش ثابت است نقشه اش خوب است پس بالاخره اگر دولت علاقه مند باین قضیه بود عملیاتی می کرد که جوهر مصرف نمی شد قالیهای امروزه مادر بازار های دنیا مردود نمی شد مثل امروز نبود که بعضی اینکه مشتری می آید قالی بخرد چون اطمینانش از فروشنده بکلی سلب شده است فوراً بایک اسباب فنی او را امتحان کند و اگر رنگ جوهریست رد کند یا بقیمت خیلی ارزانتر بخرد باین بنده تصور می کنم این سؤال بیشتر از این جواب لازم داشته باشد پس البته عملیات دولت مفید و اولین وظیفه دولت است.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)
حاج میرزا مرتضی - مخالفت بنده باین راپورت از این نقطه نظر است

که صادرات مملکت تقریباً بدرجه صفر رسیده است و ما فقط یکتالی داریم یک کتیرا و یک انقوزه و اگر مایائیم و یک گمر کی بر قالی تعمیل کنیم دیگر آن اشخاصی را که بخارجه می فرستند گمان می کنم این کار را نکنند بواسطه اینکه این گمرک دماغ آن هارامی سوزاند و این صادرات ما که بخارجه می رود زمین می خورد در سایر ممالک دنیا با تجارت شان همراهی و مساعدت می کنند که صادرات آنها روز بروز زیاد تر بشود مثل این که اگر در نظر داشته باشیم قبل از جنگ قند در روسیه بمراتب گران تر از ممالک خارج روسیه بود برای چه ؟ برای اینکه تعمیلی بر تاجر نمی کردند و تخفیفاتی بآنها می دادند و گمرک هم از آنها نمی گرفتند برای اینکه امتعه داخلیشان در خارجه رواج پیدا کند ما بالعکس امروز می خواهیم یک مالیاتی بر قالیهای جوهری تعمیل کنیم بعنوان اینکه میخواهم از رنگ جوهری جلوگیری کنیم و حال آنکه مال التجاره هائی هم که از خارجه می آید هم اصل دارد و هم جلب مثلاً چیت بعضی چیت هاست که رنگشان بواسطه شستن می رود آنها جلب است بعضی هم هست که رنگشان ثابت است . کبریت اصل هم هست . جلب هم هست . تفنگ اصل هم هست جلب هم هست و هر کدام از آنها یک قیمتی و یک طالبی دارد آن کسی که طالب اصل است گرانتر می خرد و آن کسی که طالب جلب هست ارزانتر می خرد و نتیجه که از آن باید ببرد میرسد . قالی هم همین طور است قالی ثابت یک خریدار و طالب مخصوصی دارد . قالی جوهری هم یک خریدار مخصوصی دارد .

و اگر یک مالیاتی بر قالی جوهری وضع کنیم تجارت قالی تا بتمان هم نکشی بیدامی کند و از بین میرود بنده عقیده دارم که بر صادرات مملکت نباید هیچ قسم مالیات تعمیل شود بلکه باید مساعدت کنیم که صادرات ما ترقی کند از آن طرف دولت می تواند از دور در رنگ جوهری بترتیب دیگر جلوگیری کند مثل اینکه حالا هم هست قدغن کند که رنگهای جوهری اصلاً وارد ایران نشود و در هر کجا که دیدند آن رنگ را بسوزانند و صاحب آن را هم جریمه کنند نه اینکه مالیاتی بر قالی وضع کنیم و آنوقت قالی هم که از صادرات منحصر بفرد ما است دیگر بخارجه نرود و کسی هم رغبت نکند که برود قالی بیافند و اینکه آقای امین الشریعه فرمودند تجاری که تلگراف کرده اند خودشان تقاضا کرده اند صدش مالیات بدهند البته در مقابل اینکه به آنها می گویند باید صد بیست و پنج مالیات بدهند آنها بصد و شش راضی خواهند بود و اگر